

Border and Education, Incompatible Duality; Analysis of the Role of Border Exchanges in the Academic Enthusiasm of Students in the Border Areas of Kurdistan Province

Rashid Ahmadifar *

Assistant Professor of Sociology, Farhangian University of Kurdistan, Kurdistan, Iran.

Abstract

The existence of numerous economic and livelihood problems due to reasons such as: lack of industrial infrastructure, uneven development, inefficient economic policies and lack of fertile land have caused many residents of the villages of border areas of Kurdistan to turn to special border trade in the form of Kolberi. This has resulted in various negative cultural consequences. One of the cultural fields that have been greatly affected by border relations is education. Therefore, the main goal of the article is to analyze the meaning and the point of view and experience of the people of the border villages of Baneh and Marivan regarding border relations and its consequences in the academic life of the students of that region. According to the objectives, a mixed method has been chosen. The findings have been collected by questionnaire technique, in-depth individual and group interviews, as well as observation. In the quantitative section, 380 students were selected by random sampling. In the qualitative section, according to the type of subject, individual and group interviews were conducted with 38 people. The findings show that the mechanism of cross-border relations on youth education can be analyzed with such things as: transformation of the field and habits - smuggling as a cultural act - rupture of educational identity - encirclement of the mentality of dropping out of school - value transformation of confirmation - academic failure. The results in the quantitative part indicate that border relations (formal-informal) have a negative effect on all three dimensions of academic enthusiasm (behavioral, emotional and cognitive). This means that the more students are involved in economic issues, the less motivation and enthusiasm they have for learning and active participation in school and class, and they will be indifferent to doing their assigned homework.

Keywords: Mixed Method, Border Trade, Academic Enthusiasm, Kurdistan Border Areas.


This article is taken from a research project that was carried out with the financial support of the General Department of Education and Development of Kurdistan in 2018.

* Corresponding Author: rahmadrash76@yahoo.com

How to Cite: Ahmadifar, R. (2021). Border and Education, Incompatible Duality Analysis of the Role of Border Exchanges in the Academic Enthusiasm of Students in the Border Areas of Kurdistan Province, *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(94), 163-207.



مرز و تحصیلات، دوگانه‌ای ناسازواره؛ تحلیل نقش مراودات مرزی در اشتیاق تحصیلی دانش آموزان مناطق مرزی استان کردستان

رشید احمدی فر*  * استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فرهنگیان کردستان، کردستان، ایران.

چکیده

وجود مشکلات اقتصادی و معیشتی فراوان به دلایلی چون: نبود زیر ساخت صنعتی، توسعه نامتوازن، سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد و نبود زمین‌های حاصلخیز باعث روی‌آوری زیادی از ساکنین روستاهای مناطق مرزی کردستان به تجارت مرزی خصوصاً در شکل کولبری شده است. این امر پیامدهای فرهنگی مختلفی از جهات منفی به بار آورده است. یکی از حوزه‌های فرهنگی که بشدت تحت تأثیر مراودات مرزی قرار گرفته، تحصیلات است. لذا معنا کاوی و تحلیل دیدگاه و تجربه مردم روستاهای مرزی شهرستان بانه و مریوان در خصوص مراودات مرزی و پیامدهای آن در زندگی تحصیلی دانش‌آموزان آن منطقه هدف اصلی مقاله است. به اقتضای اهداف، روش آمیخته انتخاب شده است. یافته‌ها با تکنیک پرسشنامه، مصاحبه عمیق فردی و گروهی و همچنین مشاهده جمع‌آوری گردیده است. در بخش کمی تعداد ۳۸۰ نفر از دانش‌آموزان با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. در بخش کیفی با توجه به نوع موضوع، با ۳۸ نفر مصاحبه فردی و گروهی انجام شد. یافته‌ها نشان از آن دارد که سازوکار مراودات مرزی بر تحصیلات جوانان با مواردی چون: دگرگونی میدان و عادت‌واره‌ها- قاجاق به‌مثابه کنش فرهنگی- گسیختگی هویت تحصیلی- احاطه ذهنیات ترک تحصیل- استحاله ارزشی تأیید- افت تحصیلی قابل تحلیل است. نتایج در بخش کمی حاکی از آن است که مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) بر هر سه بعد اشتیاق تحصیلی (رفتاری، عاطفی و شناختی) اثر منفی گذاشته است. بدین معنا که دانش‌آموزان هرچه بیشتر درگیر مسائل اقتصادی باشند، انگیزه و اشتیاق آن‌ها برای یادگیری و مشارکت فعال در مدرسه و کلاس کم‌تر بوده و نسبت به انجام تکالیف محوله خود بی‌اعتنا خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: روش آمیخته، مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی)، اشتیاق تحصیلی، مناطق مرزی کردستان.

این مقاله برگرفته از یک طرح پژوهشی است که با حمایت مالی اداره کل آموزش و پرورش کردستان در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

* نویسنده مسئول: rahmadrash76@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

توسعه فرایند تحول بنیادین باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به‌منظور خلق و متناسب‌شدن با ظرفیت‌های جدید و ارتقاء کمی و کیفی قابلیت‌ها و توانایی‌های انسانی، آموزشی، اقتصادی است. توسعه کشور بدون توسعه منابع انسانی میسر نمی‌گردد. توسعه منابع انسانی در معنای عام با افزایش و بهبود کمی و کیفی توانایی‌ها و مهارت‌های او عملی می‌گردد (Sarkarani, 1994:7). از این منظر، ارتباط وثیقی بین توسعه همه‌جانبه یک کشور و میزان توجه و سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و پرورش دارد؛ به‌عبارت‌دیگر آموزش و پرورش موتور محرکه توسعه کشور است. با این وصف، لزوم توجه به مناطق پیرامونی و مرزی به جهت ویژگی‌های خاص آن‌ها، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است، چراکه کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری نماید، قادر نخواهد بود هیچ‌چیز دیگری را توسعه بخشد (Emadzade, 1995:24).

ورود به هزاره سوم و شروع عصر اطلاعات مناسبات جدیدی را در عرصه حیات اجتماعی پدید آورده است که همراهی با آن، درگرو تعلیم و تربیت افرادی است که توانایی درک چارچوب‌های جدید و همسویی با آن را داشته باشند؛ بنابراین در عصر حاضر دستیابی به فن‌آوری و بومی‌سازی آن و سرمایه‌گذاری هدفمند در آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی دو رکن اساسی توسعه پایدار محسوب می‌شوند (Jahanian et al, 2011). درون چارچوب نظام آموزشی که موفقیت در جامعه شایسته‌سالار به آن وابسته است (Sharepoor, 2007:167)، مدرسه به‌منزله نهادی اجتماعی که زندگی روزمره جوانان با آن درآمیخته است (Fazeli, 2011)، درگاهی به آموزش عالی است، یعنی سطحی از آموزش که رسیدن به اهداف توسعه هزاره، شاخص‌های گفتمان توسعه جهانی، رسیدن به پیشرفت‌های فناوری و تکنولوژیکی بدون آن غیرقابل تصور است (Kruss et al, 2015).

یکی از ارکان اصلی محیط آموزشی یادگیرندگان هستند که اشتیاق آنان به امر یادگیری در طول زمان و با سیاست‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در واقع نظام

آموزشی زمانی می‌تواند موفق باشد که عملکرد تحصیلی یادگیرندگان را در دوره‌های مختلف مورد توجه قرار دهد. تحقیقات زیادی پیرامون شناسایی عوامل اثرگذار بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان صورت گرفته است. در بین این عوامل مفهوم اشتیاق تحصیلی نیز وجود دارد. پژوهش در مورد اشتیاق تحصیلی قدمتی بسیار دارد و بیشتر محققان آن را حالتی درون ذهنی می‌دانند که فرد را در فعالیتهای مدرسه درگیر می‌کند. به عبارتی پژوهش در مورد اشتیاق تحصیلی زمانی آغاز شد که معلمان نگران ترک تحصیل دانش‌آموزان، انگیزه ضعیف و عدم درگیری دانش‌آموزان در فعالیتهای مدرسه بودند (Ghadampoor et al, 2017).

مشکل اشتیاق تحصیلی این است که امروزه نظام آموزش به‌عنوان جزء کوچکی از نظام فرهنگی ذهنیت مخاطبان را آن‌چنان که باید و شاید شکل نمی‌دهد. وضعیت اخلاقی و فرهنگی بیش‌ازپیش در حال تبدیل شدن به مظهري از مناسبات بازار است (Sliter & Tonix, 2007). در این میان، نوجوانان و جوانان مناطق مرزی به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود بیشتر در معرض اثرگذاری مناسبات بازار هستند. استان کردستان و خصوصاً شهرستان‌های بانه و مریوان جز مناطقی هستند که سیاست‌های مختلف اقتصادی تأثیرات فراوانی بر حوزه فرهنگی آن‌ها گذاشته است. آمارهای موجود حاکی از این واقعیت است که استان کردستان به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی کشور دارای آمار بالایی از ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌باشد. برای نمونه در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۹۹ در مجموع یک هزار و ۶۸۵ دانش‌آموز دختر و پسر استان ترک تحصیل کرده‌اند که ۴۸۵ نفر آنان مربوط به پایه ششم و ۲۰۰ نفر نیز پایه نهم ورودی به متوسطه دوم بودند (Kurdistan Education, 2010).

با توجه به مواردی که بیان شد هدف مقاله حاضر تحلیل پیامد مراودات مرزی (شامل انواع دادوستد رسمی و غیررسمی) بر زندگی تحصیلی و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان مناطق مرزی کردستان است. با این شرح سؤال زیر، اساس مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهد. مراودات مرزی چه تأثیری بر اشتیاق و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان مناطق مرزی گذاشته

است؟ با این وصف، شناخت و تحلیل اثرات تجارت و مراودات مرزی بر وضعیت تحصیلی دانش آموزان روستاهای مرزی بانه و مریوان هدف اصلی این مقاله می‌باشد.

مرور پیشینه پژوهش

مطالعات زیادی در داخل و خارج در خصوص نقش علل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تحصیلات دانش آموزان صورت گرفته است که در این بخش در قالب جدول زیر به آن‌ها پرداخته خواهد شد. با بررسی تحقیقاتی که در حوزه قاچاق، بازارچه مرزی و انگیزش و اشتیاق تحصیلی انجام گرفته است، می‌توان نتایجی را به صورت زیر مطرح کرد. بیشتر مطالعات انجام گرفته در حوزه اشتیاق تحصیلی در حوزه روانشناسی و علوم تربیتی انجام گرفته است که به دلیل دیدگاه‌های حاکم در این دو رشته؛ اکثر مطالعات نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی برون‌سازمانی را نادیده و یا به مورد کم توجهی قرار داده‌اند همچنین هیچ مطالعه‌ای حوزه ساختاری را در مورد اشتیاق تحصیلی مورد مطالعه قرار نداده است. دیگر اینکه مطالعات حوزه بازارچه‌های مرزی و قاچاق نیز یا به طور کلی بعد تحصیلات را مورد بررسی قرار داده‌اند و یا فقط تحصیلات را به عنوان بعدی فرهنگی، قادرزاده و قادری (۱۳۹۱) و باینگانی (۱۳۹۴) در نظر گرفته‌اند. باین وجود پژوهش افرادی چون؛ احمدی (۱۳۹۶)، رضانی (۱۳۹۱)، ریگی و جلیلی (۱۳۹۷) به این مطالعه نزدیک‌تر است. در این بخش سعی شده است، مطالعاتی آورده شود که در مناطق مرزی کردستان به بحث بازار، قاچاق و حوزه فرهنگ خصوصاً تحصیلات پرداخته‌اند.

جدول ۱. مرور تحقیقات پیشین

Table 1. Review of previous research

سال و نویسنده	عنوان	روش	نتایج
ریگی و جلیلی (۱۳۹۷)	تأثیر پدیده قاچاق بر تحصیل دانش آموزان منطقه مرزی بم پشت	کیفی	پدیده قاچاق تأثیرات انکارناپذیر و منفی زیادی بر امر تحصیل و آموزش دانش آموزان منطقه در پی داشته است و باعث افت تحصیلی دانش آموزان این منطقه و همچنین باعث ایجاد تفکری منفی نسبت به امر تحصیل و آموزش هم در دانش آموزان و هم در

سال و نویسنده	عنوان	روش	نتایج
			والدین آن‌ها شده است.
احمدرش و همکاران (۱۳۹۶)	مطالعه انتقادی سیاست‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزی کردستان	کیفی	یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی از لحاظ اشتغال سهم مساوی به همه نداده است و بیشتر افراد نفوذ و قدرت از آن سهم برده‌اند. در بخش درآمد وضعیت افراد در اوایل به نسبت امروزه خیلی بهتر بود، ولی امروزه درآمد آنان به شدت کاهش پیدا کرده است، مرادوات مرزی (رسمی_غیررسمی) به نسبت قبل از اجرای سیاست‌های اقتصادی کم‌رنگ‌تر شده است، ولی باز به دلیل سیاست‌هایی چون بستن بازارچه‌ها قاچاق از بین نرفته است و کماکان کم‌ویش ادامه دارد، مشاغل تولیدی صنعتی خرده‌پا به شدت تحت تأثیر و تحلیل رفته است و رشدی منفی داشته است. یکی دیگر از پیامدهای این سیاست‌ها، بحث افت کمی و کیفی تحصیلات جوانان است که شدت آن با اوج رونق بازار و تجارت مرزی هم‌زمان بوده است.
احمدی (۱۳۹۶)	تبیین جامعه‌شناختی هژمونی بازار و زندگی تحصیلی جوانان بانه	کیفی	نتایج کلی این تحقیق در سه کل صورت‌بندی ۳۷ مقوله نهایی در سه گروه مختلف می‌باشد. در نهایت یک مدل تلفیقی و دارای سطح انتزاع بالاتر تنظیم شده و نتایج تحقیق را در خود انعکاس داده است. مدل نهایی در قالب ۱۰ مفهوم؛ «فقر تاریخی، ناکارآمدی آموزش عالی، انگاره ذهنی دیگران مهم، پول، معنادارترین عینیت، ضعف فرهنگی-آموزشی در سطح محلی، منفی انگاری بازار، محصلان، کنشگران اقتصادی، سودجوی عقلانی اقتصادی، بی‌ارزشی تحصیلات، رنگ‌باختگی اعتبار فرهنگی» صورت‌بندی شده است. ده مقوله ذکر شده در مدل زمینه‌ای پدیده پول‌محوری و محاسبه‌گری درهم‌تنیده و به صورت مقولات شرایطی، راهبردی و پیامدی تنظیم شده‌اند.
باینگانی (۱۳۹۴)	مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین (اتنوگرافی انتقادی بازار)	کیفی (اتنوگرافی انتقادی)	پیامدهای اقتصادی بازار و تجارت مرزی: خدماتی شدن جامعه، افزایش مهاجرپذیری، هژمونیک شدن پول، تضعیف شیوه‌های تولید سنتی، افزایش نابرابری اقتصادی و کالایی شدن فضا. پیامدهای فرهنگی در بخش خانواده: نمایشی شدن خانواده، زوال منزلت نمادین والدین، گسست نسلی و جنسیتی پوشش، فرسایش

سال و نویسنده	عنوان	روش	نتایج
	مرزی بانه)		بنیان خانواده، تضعیف پیوندهای خویشاوندی و غیره؛ در بخش نظام اعتقادی: مناسکی شدن دین، تضعیف مرجعیت روحانیون، استحاله ارزش‌های دینی، واپس رانی دین‌داری رادیکال؛ در بخش آموزشی: زوال ارزش دانش، مرجعیت زدایی از فرهنگیان، طردشدگی تحصیل‌کردگان، کالایی شدن دانش
رمضانی (۱۳۹۱)	بررسی دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان مقطع متوسطه در خصوص نقش مناطق تجاری مرزی در شهرهای مریوان و بانه بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل	کمی	نتایج کلی پژوهش مؤید آن بوده که ارتباط معنی‌داری میان میزان اشتغال به کار با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد. این نتایج نشان داد که بین اشتغال به کار و میزان انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان رابطه معکوس وجود دارد
قادرزاده و قادری (۱۳۹۱)	مطالعه کیفی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی در شهرستان مریوان	کیفی (قوم‌نگاری)	استحاله ارزشی و هنجاری (اجتناب از تقدیرگرایی، گرایش بر غلبه بر طبیعت، گرایش به رفاه، عقل‌گرایی، اتکا بر مدرنیته و ظاهرش، گرایش به مظاهر مادی زندگی و غیره)، سوژه شدن بدن/بژه شدن طبیعت (عادی شدن مرگ، کاهش جمعیت، تنظیم خانواده، افزایش مرگ و تصادفات، اهمیت یافتن جنس و اصول بهداشتی و غیره)، ابزاری شدن ارتباطات اجتماعی (توریسم تجاری، دگرگونی تعاملات والدین و فرزندان، زوال احترام در ارتباطات اجتماعی، تعاملات اداری آکنده از فساد، خویشاوند گرایی و غیره)، اصالت زدایی از دانش (تحصیل به‌مثابه منبع آتی امرارمعاش، آموزش و پرورش مدرن، افت تحصیلی، آینده مبهم تحصیل، کاهش محدودیت‌های جنسیتی برای تحصیل دختران، اهمیت یافتن کلاس‌های زبان و کنکور).
کهنه‌پوشی (۱۳۹۲)	بررسی تأثیر اقتصاد کالا بر شهره‌های مرزی با تأکید بر مریوان	کمی	نتایج تحقیق حاکی از تأثیرات مثبت و زیاد مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) بر میزان اشتغال و درآمد ساکنین شهر "مریوان" و نیز تأثیر مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) بر سایر بخش‌های اقتصادی منطقه می‌باشد. نتایج حاکی از آن است پدیده

سال و نویسنده	عنوان	روش	نتایج
			قاچاق از سه جهت؛ (افزایش ترک تحصیل و عدم علاقه به تحصیل، معلولیت به علت درگیری با نیروی انتظامی، وارد کردن کالاهای ضد ارزشی) امنیت اجتماعی آن مناطق را به خطر انداخته است.
Gul et al (2013)	بررسی علل ترک تحصیل در مدارس دولتی پسرانه	ترکیبی	مهم ترین یافته های تحقیق نشان می دهد که سیستم آموزشی موجود قادر به تحقق خواسته های جامعه نیست؛ و از علل عمده ترک تحصیل می توان به فقر، بیکاری، عدم آگاهی، بی سواد پدر و مادر و بیکاری افراد فارغ التحصیل اشاره کرد. وضعیت ذکر شده تنها در صورتی قابل اصلاح است که دولت هزینه های تحصیلی و هم چنین فرصت ها شغلی را برای فارغ التحصیلان ایجاد کند و در کنار این امور، برنامه های آگاهی رسانی برای بزرگسالان ترتیب دهد.
McNeal (2011)	بررسی تأثیرات بازار کار بر ترک تحصیل در دبیرستان	کمی	یافته ها و نتایج بعد از یکسری مدل های رگرسیونی سلسله مراتبی حاکی از آن است که: رابطه اشتغال و جوانان مشروط بر زمینه های فردی دانش آموزان است. دوم اینکه بازار کار محلی به طور مستقیم به احتمال ترک تحصیل دانش آموزان تأثیر می گذارد؛ و آخر سر اینکه تفاوت فراوانی بین بازار کار محلی و زمینه های اقتصادی_ اجتماعی بر نرخ ترک تحصیل وجود دارد.
Lee et al (2007)	بررسی تأثیر شدت کار بر ترک تحصیل از دبیرستان ها	کیفی	نتایج نشان می دهد که ساعات کار طولانی انجام ترک تحصیل را در بین تمام دانش آموزان را بالا می برد و به نوعی انجام دادن کار توسط دانش آموزان؛ آن ها را از جو مدرسه و پیشرفت تحصیلی دور می کند.
Wilson et al (2009)	نقش انتظارات جوانان در انتخاب مدرسه	کیفی	نتایج این پژوهش حاکی از آن است: جوانان با انتخاب مدرسه انتظار دارند که با فارغ التحصیلی درآمد خود را بازگردانند و به نوعی امیدوار هستند؛ حتی زمانی که مجموع وسیعی از متغیرهایی چون پس زمینه اقتصادی، خانوادگی و متغیرهای همسایگی به طور عمدی و تأثیر والدین و دولت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ادبیات نظری

مبانی نظری پژوهش حاضر در قالب دو متغیر اصلی این پژوهش یعنی اشتیاق تحصیلی و تجارت و مراودات مرزی (رسمی - غیررسمی) تشریح می‌شود.

اشتیاق تحصیلی

اشتیاق تحصیلی به عنوان یک سازه به اعمال و رفتارهایی که به یادگیری و پیشرفت تحصیلی مربوط است، اطلاق می‌شود (Pintrich, 2003). اشتیاق تحصیلی به نحوه تلاشی که دانش‌آموزان صرف فعالیت‌های هدفمند آموزشی می‌کنند تا به صورت مستقیم به نتایج مطلوب برسند اطلاق می‌شود (Hajazi et al, 2009). عوامل مؤثر بر اشتیاق تحصیلی شامل عوامل خانوادگی (ساختار خانواده، درآمد خانواده، اشتغال والدین، سواد والدین و مهاجرت) و عوامل مدرسه‌ای (ادراک و نگرش دانش‌آموز به مدرس، فضا و فرهنگ مدرسه، ارتباط دانش‌آموز با معلم و همکلاسی‌ها) می‌باشد (Kurafshari, 2012). از نگاه لیننبرنک و پیتریش^۱ (۲۰۰۳) این سازه از سه جز شناختی، رفتاری و عاطفی تشکیل شده است؛ جز رفتاری که شامل متغیرهایی مانند رفتار مثبت، تلاش و مشارکت است. جز شناختی که شامل متغیرهایی مانند خودتنظیمی اهداف یادگیری، سرمایه‌گذاری در یادگیری است و جز عاطفی که شامل متغیرهایی مانند علاقه، تعلق و نگرش مثبت درباره یادگیری است (Jimerson et al, 2003).

اشتیاق شناختی یک نشان روان‌شناختی در فرایند یادگیری است و اساساً به عنوان انگیزه و کوشش مؤثر به کاربرده می‌شود. اشتیاق شناختی در واقع یک گرایش و تمایلی است که فراتر از نیاز ما است و میل به چالش مانند انعطاف در حل مسئله، تمایل به سخت کار کردن است که شامل کوشش‌های ذهنی در یادگیری و غلبه بر یک تکلیف و تسلط بر آن و در کل گرایش به آموختن است (Abasi et al, 2015). با افزایش اشتیاق شناختی انگیزه و تلاش برای یادگیری افزایش می‌یابد. میزان تلاش شناختی صرف شده شاخص

1. Linnenbrink & Pint rich

مناسبی برای انگیزه است، چون بر مهارت یافتن یادگیرنده و احساس سودمندی بیشتر در وی تمرکز می‌کند (Borujerdi, 2012). در کل اشتیاق شناختی به مهارت‌های تفکر یادگیرنده به‌منظور درک متن و مشارکت موفق وی در مباحث درسی اشاره می‌کند. اشتیاق رفتاری شامل رفتارهای قابل مشاهده دانش‌آموزان در برخورد با تکالیف است. با نگاه کردن به دانش‌آموزان به‌راحتی می‌توان گفت دانش‌آموزان در تکالیف مشارکت دارند و اشتیاق رفتاری را از خود نشان می‌دهند. دانش‌آموزانی که تلاش بیشتری می‌کنند در تکالیف مدت زیادی باقی می‌مانند و درخواست کمک می‌کنند و به‌احتمال زیاد بیشتر یاد می‌گیرند و به سطوح بالاتر می‌رسند (Parhiz, 2015). اشتیاق عاطفی شامل سه مؤلفه احساس، ارزش و عاطفه است برای مثال مؤلفه ارزش تکالیف باورهای دانش‌آموزان را در این مورد منعکس می‌کند که چرا مواد و مهارت‌هایی که یاد می‌گیرند مفید و جذاب‌اند (Ibid, 31).

مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی)

مبادلات مرزی-منطقه‌ای همواره یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای رشد، توسعه و رفاه اجتماعی مناطق بوده است. این گونه مبادلات به‌ویژه در نواحی مرزی، هم در جهت توسعه محلی و هم برای توسعه تجارت و همکاری‌های منطقه‌ای مفید بوده است. تجربیات کشورهای درحال توسعه در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که توسعه مبادلات مرزی در قالب‌های مقررات و قوانین می‌تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات کالا به‌صورت رسمی و جهت‌دهی تجارت به سمت مزیت‌های نسبی، گسترش همکاری‌های همه‌جانبه بین مناطق آزاد، توسعه بازارچه‌های بین مرزی، ایجاد سودهای تجارتي و اشتغال و امنیت برای مرزنشینان گردد (Mahmudi, 2005:107, 108).

واقعیت آن است که باوجود برنامه‌های فقرزدایی در گفتمان‌های مختلف و سیاست‌های اتخاذشده گوناگون، مردم این نواحی امروزه برای تأمین معیشت خود به قاچاق و انواع اشتغال غیررسمی روی می‌آورند. درواقع ضعف بنیان‌های صنعتی، دورافتادگی و در حاشیه قرار گرفتن نقاط مرزی، عدم توسعه نامتوازن و شرایط اقلیمی

نامناسب، از جمله عواملی هستند که مردم را وادار به کنش قاچاق می‌کند. در گفتمان‌های مختلف، سیاست‌های مختلفی برای کاهش فقر، توسعه مناطق مرزی و کاهش قاچاق اتخاذ شده است که احداث بازارچه‌های مرزی یکی از مهم‌ترین این سیاست‌هاست. هرچند طبق یافته‌های قادرزاده و همکاران (Ghadezade et al, 2013) قاچاق در این نواحی از بین نرفته است بلکه به اشکال مختلف تبدیل و تداوم دارد؛ بنابراین قاچاق به‌عنوان یک راهکار معیشتی از گذشته‌ها تا امروزه در این نواحی اثرات اجتماعی-فرهنگی با خود به همراه داشته است.

با توجه به نرخ بالای بیکاری در منطقه همواره کنش قاچاق به‌عنوان راهکاری جهت امرارمعاش ساکنان نواحی مرزی موردتوجه بوده است. قاچاق عبارت است از ورود و خروج کالاهای موضوع درآمد دولت (مجاز، مشروط) بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و عدم رعایت ضوابط کالاهای ممنوع (ممنوع قانونی، ممنوع توسط دولت و از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که طبق قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی) و ارز مصوب ۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، جرم محسوب و برای آن مجازات تعیین شده است (Shadnia, 2005).

انواع قاچاق به‌اختصار عبارت‌اند از:

- قاچاق ارز (یا پول نقد رایج کشورهای خارجی)
- مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی) تجاری
- قاچاق سلاح و مهمات
- قاچاق آثار ملی و عتیقه (یعنی اشیایی با قدمت یک‌صد سال یا بیشتر) قاچاق دخانی، مواد افیونی و مواد مخدر (Allamoradi, 1999).

قاچاق به‌عنوان عامل برجسته‌ای در مراودات مرزی غیررسمی پدیده‌ای است که با توجه به شرایط خاص یک کشور با عوامل متعددی ارتباط دارد که این عوامل به سه دسته کلی قابل‌تقسیم است (Arabmaziar, 2001). عوامل ساختاری مؤثر بر قاچاق، این عوامل عبارت‌اند از کلیه عوامل غیرانسانی مانند قوانین و مقررات سیستم‌ها و روش‌های انجام امر،

تکنولوژی، سیاست‌ها و استراتژی‌ها و نظایر آن‌ها که نامناسب بودن این عوامل به امر قاچاق منجر می‌شود، از مصادیق این عوامل می‌توان به نبود هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی سیاست‌های اقتصادی، تجاری و ارزی، تعرفه گمرکی و سود بازرگانی بالا برای کالاهای وارداتی، نامناسب بودن حقوق و مزایای کارکنان، نبود امنیت شغلی و سیستم نامناسب ارتقای کارکنان، وجود یارانه‌های دولتی برای کالاهای مصرفی و قیمت‌گذاری دولتی اشاره نمود (Dehghan, 2008).

عوامل رفتاری مؤثر بر قاچاق، این عوامل مربوط است به نیروی انسانی که مبادرت به مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) می‌کنند و یا کسانی که با این امر درگیر هستند. این عوامل خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول: قاچاقچیان دارای روحیه قانون‌شکنی و قانون‌گریزی، تمایل به کسب درآمد در زمان کمتر، رشد اجتماعی پایین، روحیه خطرپذیری بالا و تحصیلات پایین و عدم آگاهی از اثرات قاچاق در اقتصاد کشور را شامل می‌شود. گروه دوم: خصوصیات و عوامل رفتاری مربوط به کارکنان سازمان‌های متولی و ذی‌ربط است که مواردی مانند نبود انگیزه کاری و احساس مسئولیت کارکنان، شایستگی نداشت بعضی از سرپرستان و مدیران، عدم ارتقای شغلی بر اساس نظام شایسته‌سالاری و توانمندی کارمندان و نظایر آن‌ها را شامل می‌شود (Shajeei Ghaisur, 2005).

چهارچوب نظری

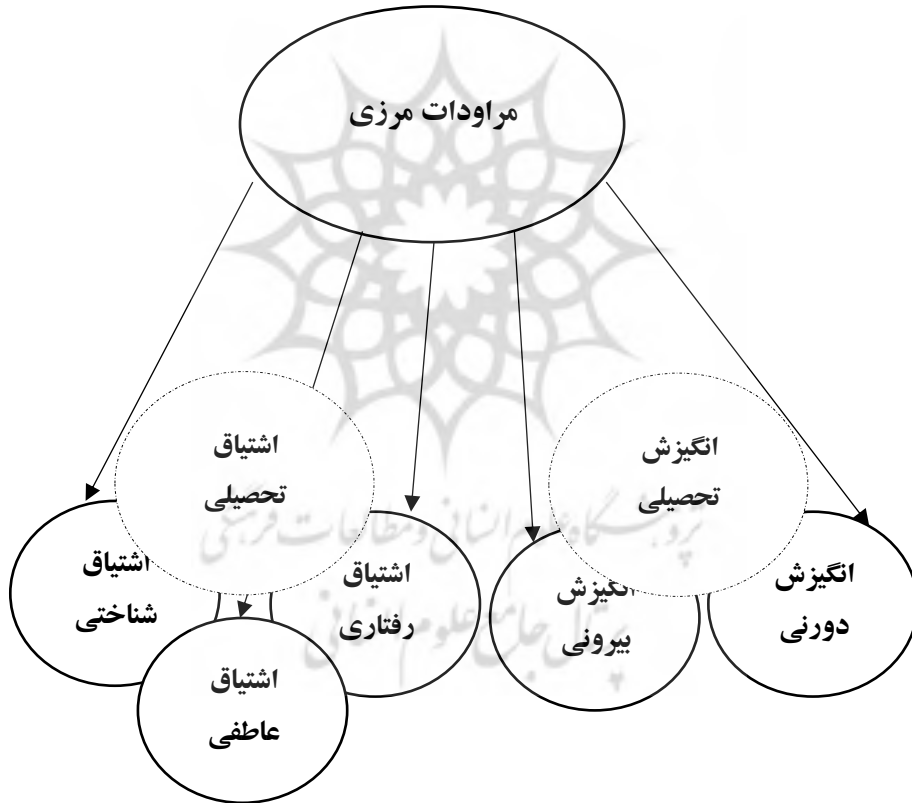
مرزها از قدیم به‌عنوان بیان‌کننده حق حاکمیت سیاسی و نظارت بر منابع موجود در کشورها بوده و به‌عنوان حصار در مقابل تجاوزات و عاملی در جهت دفاع و امنیت محسوب می‌شد؛ اما تحولات و تغییرات تکنولوژیکی در جهان، موجب تغییرات و دگرگونی‌های اساسی در کارکردهای مرز گردیده است. از یک‌طرف جهانی‌شدن به تحریک درآمد، سرمایه، محصولات، افراد و همچنین ایده و عقاید پویا گردید که بر مناطق مرزی و مسئله حاکمیت و استقرار مرزها تأثیر گذاشته است و از طرف دیگر رفتارها و سیاست‌های تحکیم‌آمیز برخی کشورها و مناطق در جهت حفظ ارزش و هویت قومی و منطقه‌ای به مرزها، اهمیت ویژه‌ای داده است. مطالعات نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر

مناطق مرزی و تأثیرات مرزی در تحقیقات توسعه‌ای اعم از اقتصادی و اجتماعی و اکولوژیکی مورد توجه قرار گرفته است. این رغبت و علاقه وافر به مناطقی که در امتداد مرزهای همگرایی کشورها قرار گرفته‌اند به‌طور مشخصی از این تصور نشأت گرفته است که این مناطق جغرافیایی ویژه ممکن است موجب ایجاد سازگاری و همسانی اقتصادی در همگرایی بین کشورها گردد (Niebuhr, 2005). بدین معنی که در مرزهای اکثر کشورهای در حال توسعه، سطح قابل توجهی از نیاز مردم مرزنشین از طریق مبادلات مرزی تأمین می‌شود. این گونه مبادلات، علی‌رغم غیررسمی و محلی بودن آن، دارای نقش پراهمیتی در مبادلات میان کشورهای همسایه بوده و باعث بهبود زندگی ساکنان نقاط مرزی می‌شود. از این رو برنامه‌ای کردن چنین مبادلات و جریان‌هایی در نوع خود به توسعه همکاری‌های متقابل اقتصادی، گسترش بازارهای مرزی محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت در این مناطق و بهبود زیرساخت‌ها و خدمات مورد نیاز منطقه را به همراه می‌آورد. در کل اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی بزرگ در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر، تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشند (Chandoevwit, 2004, 145) اما آنچه مهم و در این تحقیق در بعد نظری مورد تأکید قرار گرفته است و به‌عنوان عینک نظری استفاده گردیده است پیامدهای منفی این بازارچه‌ها بر کسب و کارهای ناامن به‌طور فرض قاچاق و به دنبال آن پیامدهای فرهنگی با تأکید بر حوزه تحصیل و آموزش است. مطالعات زیادی این امر را تأیید کرده‌اند. به‌عنوان مثال (Ghaderzade et al., 2012) اذعان داشته‌اند: تداخل کار کردی نهادی، بوروکراسی بغرنج و بازدارنده، آسیب‌مندی و ناکارآمدی سیستم نظارت درونی بازارچه‌ها، نابسامانی موقعیتی و فشارهای برون ساختاری باعث شده که بازارچه‌ها به شیوه‌های غیرمستقیمی پدیده قاچاق را در حالت‌های مختلف تداوم ببخشند. این عوامل به‌نوبه خود و به‌عنوان علل برون‌سازمانی و ساختاری بر زندگی کلی جوانان مرزی و خصوصاً تحصیلات آن‌ها تأثیرات زیادی گذاشته است به این معنا که تحولات و

دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی به نوبه خود زمینه تغییرات مهمی را در میان اقشار جوان داشته است تا جایی که صحبت از جهانی شدن فرهنگ شده است. این سوژه‌ها در جدال بین بازار و نظام آموزشی، به عنوان کنشگر عقلانی، گاه به مثابه فردی انتخاب‌گر محسوب می‌شوند و به قصد فایده‌مندی از چیزی دست به عمل می‌زنند؛ و گاه منفعلانه و غیر نقادانه و بر اثر دیگران مهم و فشار اجتماعی که بر آن‌ها غالب است، انتخاب می‌کنند. بسیاری از جوانان برای پاداش‌های فرهنگی که در چشم جامعه بی‌اهمیت است، ارزش قائل نیستند و سعی می‌کنند که خود را به آن ارزش‌هایی که جامعه و دیگران مورد تأیید قرار می‌دهند؛ برسانند و در آن چارچوبی سبک زندگی را برگزینند که در جامعه رواج یافته است. به این ترتیب انگیزه تحصیلی به تدریج رنگ می‌بازد. به یک معنا در جامعه که همه در جستجوی نفع و سود هستند، منزلت بازاریابی از اقتصاد و دارایی‌ها است. وقتی که تحصیلات نتواند جوانان را برای ورود به بازار کار آماده کند و کارکرد جامعه‌پذیر کردن اقتصادی دچار اختلال باشد، دانش‌آموزان و جوانان در آن محیط دچار از خود بیگانگی می‌شوند. در نظریات مربوط به انگیزش تحصیلی با تأکید بیان شده که عوامل محیطی نیز بر ادراک افراد از آنچه نیاز آنان محسوب می‌شود و برانگیختن آنان به تلاش برای برآوردن نیاز (بروز تقاضا) تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، آموزش و تبلیغ درباره انواع غذاها و الگوهای مسکن، یا خدمات سلامتی می‌تواند موجب شود مردم نیازهای جدیدی را احساس کنند یا احساس نیاز در آنان به تقاضا تبدیل شود. تقدیر و ترفیع دانشجوی ممتاز و موفق ممکن است تمایل دیگران را برای دستیابی به مرتبه و منزلت بالاتر برانگیزاند (Kave, 2010:28). به همان‌سان عادات فکری برگرفته از این بافت اجتماعی تجارت و بازار مرزی و همچنین قاچاق پیوسته این ذهنیت را بازتولید می‌کند که پول مبنای ارزش‌گذاری بر همه چیز است و فرد تنها در حوزه مادیات است که می‌تواند به قدرت دست یابد و منزلتی که این بافت تأیید می‌کند کسب کند؛ بنابراین روی‌آوری به آموزش در فرهنگی که چشم‌وهم‌چشمی بر آن سلطه دارد، کاری عبث و بیهوده است؛ چون بازده این آموزش در آینده نمی‌تواند مبنای منزلتی فرد را تأمین کند که در این جامعه رواج داده شده است. همچنان که

(Deflem, 2004) بیان می‌کند گرایش کلی به کنترل محاسبه‌ای، روابط اجتماعی را بیشتر به سمت وضعیتی اجباری توسط پولی که مردم دارند یا نمایش می‌دهند، هدایت کرد، صرفاً با این گرایش که پول همه‌چیز است. آزادی شخصی محفوظ مانده و حتی می‌تواند افزایش یابد. در چنین جامعه که میدان بازار مرزی در جوار میدان مدرسه است (ازلحاظ ذهنی) دیگر دانش‌آموز چندان اشتیاقی به تحصیل نخواهد داشت. اشتیاق دانش‌آموزان به یک فعالیت تحصیلی در نگاه اول اشاره دارد به این‌که؛ تکلیف توجه دانش‌آموز را جلب کرده است و پس از آن تأمین انرژی لازم جهت تداوم هیجان و اشتیاق تا پایان تکلیف است (Najafi Sarami, 2015). در جامعه مرزی دانش‌آموزان به‌عنوان عاملانی در میدان مدرسه و علمی عادت‌واره‌های متفاوتی دارند با افرادی که در میدان بازار قرار دارند. میدان عادت‌واره‌ای را که محصول ادغام ضرورت ماندگاری این میدان یا مجموعه‌ای از میدان‌های کم‌وبیش هماهنگ هستند ساختار می‌دهد. ناهماهنگی‌ها می‌تواند موجب به وجود آمدن عادت‌واره تقسیم‌شده یا حتی عادت‌واره گسیخته شوند. وجود میدان بازار در جوار میدان مدرسه باعث می‌شود که سوژه‌ها عادت‌واره میدان بازار را نیز کسب کنند و از عادت‌واره تحصیلی گسیخته شوند. در این جوامع از آنجا که اکثریت مردم مدرن در اغلب اوقات زندگی خود باید حواسشان را صرف جمع‌آوری پول باشد، این عقیده قوت می‌گیرد که لازمه رسیدن به هر نوع شادمانی و خرسندی مشخص در زندگی تصاحب مقدار معینی پول است. پول به لحاظ درونی از پیش‌نیاز و ابزاری صرف به هدف غایی تبدیل می‌شود. هنگامی که این هدف تأمین شد، ناخرسندی و کسالت شدید متناوبی ایجاد می‌گردد. این حالت را می‌توان در تجار بازنشسته‌ای که ثروتی اندوخته‌اند به نحوی بارز مشاهده کرد. (Simmel, 2007) بدین‌صورت در چنین جوامعی جوانان چندان توجهی به اشتیاق شناختی (اشتیاق شناختی نوعی سرمایه‌گذاری در یادگیری است که دربرگیرنده تمایل به کوشش فکری، درک مفاهیم پیچیده و تسلط بر مهارت‌های دشوار می‌باشد) (Fredricks, 2004) ندارند و بیشتر سرگرم بازار می‌باشند. متعاقب این رفتار دانش‌آموزان به‌طور مثال در تکالیف کلاسی به‌عنوان نمودی از اشتیاق رفتاری، تلاش، پافشاری و

کمکی نخواهند کرد و در نهایت تکالیف و هر آنچه در حوزه تحصیلات و مدرسه و تعهدات مربوط به آن است ارزشی نمی‌بیند. بدین معنا کم‌کم اشتیاق عاطفی آنان نیز از بین خواهد رفت و هر آنچه عادت‌واره میدان تجارت و بازار است جای عادات‌وارهای تحصیلی و مدرسه را خواهد گرفت. به‌طور کلی هژمونی بازار و سرمایه در شهرستان‌های مرزی به‌اندازه‌ای می‌باشد که جامعه در آن حل شده است و فرهنگ در خدمت آن قرار گرفته است. نظام آموزشی به‌عنوان جزئی از این نظام فرهنگی زیر سیطره گفتمان بازار در امان نمانده است و باوجود عصری که دانش فرایند عقلانی شدن را هدایت می‌کند، تأثیرگذاری منفی و شدیدی بر حوزه تحصیلات در مناطق مرزی وجود دارد



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

Figure 1. Theoretical Framework

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش

اشتیاق تحصیلی

تعریف مفهومی: اشتیاق تحصیلی سازه‌ای چندبعدی است که متشکل از مؤلفه‌های مختلف رفتاری، شناختی و انگیزشی است (Martin, 2008:269). هم‌چنین اشتیاق تحصیلی نگرش‌های دانش‌آموز نسبت به مدرسه و توانایی برآوردن انتظارات عملکرد را شامل می‌شود.

تعریف عملیاتی: در این پژوهش اشتیاق تحصیلی از نظر عملیاتی عبارت است از نمره‌ای که دانش‌آموزان در پرسشنامه مقیاس اشتیاق تحصیلی فردریکز بلومنفیلد، پاریس^۱ (۲۰۰۴) به دست آوردند. برای سنجش اشتیاق تحصیلی بر اساس مؤلفه‌های زیر اقدام شده است؛

اشتیاق رفتاری

اشتیاق رفتاری تحصیلی به تلاش‌های دانش‌آموزان و حرکات آنان که مطابق با قوانین مدرسه باشد اشاره دارد (Apelton et al., 2008).

اشتیاق عاطفی

اشتیاق عاطفی به لذت بردن دانش‌آموز و علاقه به چالش‌های مربوط به مدرسه و تمایل به انجام تکالیف مدرسه و تحصیلات اشاره دارد.

اشتیاق شناختی

اشتیاق شناختی به سرمایه‌گذاری دانش‌آموزان در تکالیف مدرسه و هم‌چنین اندیشه و تمایل به یادگیری و تلاش برای یادگیری اشاره دارد (Ibid:2008).

1. Fredericks, Blumenfeld, Paris

انگیزش تحصیلی

تعریف مفهومی: انگیزش تحصیلی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که منجر به یادگیری و پیشرفت می‌شود (Ruhi et al, 2007:100).

تعریف عملیاتی: انگیزش تحصیلی نمره ایست که آزمودنی از آزمون انگیزش تحصیل هارت به دست می‌آورد. این آزمون دارای ۳۳ گویه است.

تجارت مرزی: به دادوستدهایی اطلاق می‌گردد که توسط مرزنشینان در بازارچه‌های مرزی رسمی و موقتی صورت می‌گیرد. در این بازارچه‌ها افراد به شغل‌هایی از قبیل پیله‌وری، رانندگی و کولبری و غیره اشتغال دارند و از طریق آن‌ها امرار معاش می‌نمایند.

پدیده قاچاق: به مراودات غیررسمی و غیرقانونی در حوزه اقتصادی گفته می‌شود که برخلاف ضوابط قانونی کشور انجام می‌گیرد (Arabmaziar, 2001).

مراودات مرزی: مراودات مرزی شامل انواع فعالیت‌های اقتصادی رسمی و غیر رسمی است که در محدوده مناطق مرزی انجام می‌شود (Ahmadi, 2017).

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این مقاله، «روش ترکیبی»^۱ می‌باشد. این نوع تحقیق که از نظر فلسفی مبتنی بر رویکرد پراگماتیسم است، با تأکید بر همگرایی پارادایمی و اجتناب از وضع‌گیری‌های کمی-کیفی متعارف، درصدد ترکیب هر دو رهیافت کمی و کیفی در یک مطالعه واحد به‌طور هم‌زمان، متوالی یا تغییرپذیر است (Mohamadpoor et al., 2010). در پژوهش حاضر، ابتدا کار داده‌های کمی در میدان‌های مورد مطالعه جمع‌آوری و برای تأیید داده‌ها و چهارچوبی جامع از یافته‌ها روش کیفی نیز مورد استفاده قرار گرفت و نتایج به‌صورت ترکیبی آورده شده است. در این مقاله جهت آشنایی بیشتر با ویژگی‌ها و

شرایط افراد حاضر در میدان موردمطالعه، مصاحبه‌هایی نیز صورت گرفت که در این مصاحبه‌ها جنبه‌هایی جدید که قبل از انجام آن مغفول مانده بود، روشن تر شد. داده‌ها در پژوهش حاضر، از روش‌های تحلیل اسنادی، مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه گردآوری شده است. روستاهای ساوجی، سعدآباد و نی از شهرستان مریوان و روستاهای کیله عباس‌آباد و نور هم از شهرستان بانه به دلیل ارتباط گسترده‌ای که با بازارچه‌های مرزی دارند مورد هدف مقاله حاضر هستند. طبق داده‌های سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت کل دانش‌آموزان روستاهای مذکور، ۱۳۴۷ نفر می‌باشد که بر طبق فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ نفر از جمعیت کل، به‌عنوان نمونه به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در بخش کیفی از آنجایی که هدف مقاله حاضر تبیین مسئله تحصیلات دانش‌آموزان و سازوکار آن با پدیده قاچاق است، با توجه به متغیرهای چون وضعیت تحصیلات، کارهای فرهنگی، ارتباط با مدارس، جوانان، بازه سنی جوانان، وضعیت اشتغال و نظایر آن با تیپ‌های متفاوتی از افراد مصاحبه انجام گرفته است. در جدول زیر تعداد افراد ورد مصاحبه آورده شده است.

جدول ۲. تعداد افراد مورد مصاحبه

Table 2. Number of people interviewed

مصاحبه گروهی		مصاحبه فردی		گروه‌ها
مذکر	مؤنث	مذکر	مؤنث	
2	2	10	4	دانش‌آموزان
-	-	11	0	بازاری
-	-	7	3	گروه‌های فرهنگی

در گروه محصلان ۱۴ مصاحبه فردی و فوکوس گروپ (با افرادی غیر از گروه اول) انجام گرفته است. از آنجایی که در این گروه جمع کردن افراد و روش گروهی بهتر نتیجه می‌داد، تنها در این گروه مصاحبه جمعی انجام گرفته شده است. در گروه بازاریان به تعداد ۱۱ نفر مصاحبه عمیق انجام گرفته شده است. در ارتباط با گروه سوم به تعداد ۱۰ نفر از افراد مصاحبه انجام گرفته است. از دلایل برگزیدن این افراد اینکه؛ که به‌طور مستقیم و

غیرمستقیم با حوزه فرهنگی در ارتباط هستند. در جدول زیر افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، آورده شده است.

جدول ۳. افراد مورد مصاحبه فردی

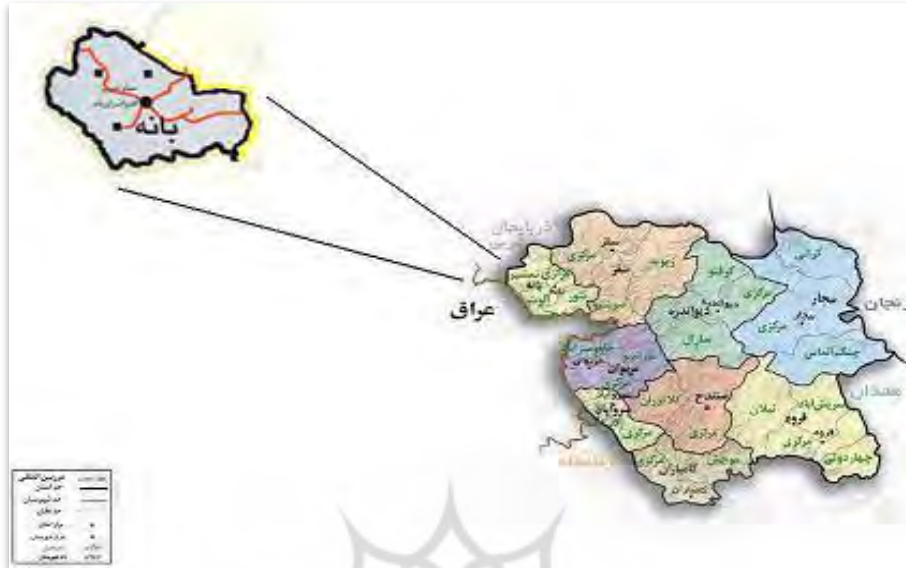
Table 3. Individuals interviewed

فرهنگیان				بازاریان				دانش آموزان			
ردیف	شغل	سن	اسم	ردیف	شغل	سن	اسم	ردیف	رشته	دوره	سال
1	فروشنده کتاب	37	سارو	1	قاچاقچی	36	مسعود	1	تجربی	متوسطه	دوم
2	معلم	33	سیروان	2	قاچاقچی	37	هیوا	2	انسانی	متوسطه	دوم
3	مشاور	37	امیر	3	دلالت	34	هزار	3	ریاضی	متوسطه	دوم
4	مشاور	37	حسن	4	باربر	26	نادر	4	فنی و حرفه‌ای	متوسطه	اول
5	معلم	36	یعقوب	5	ضمانت‌چی	40	کامران	5	ریاضی	متوسطه	دوم
6	کتابخانه	43	علی	6	دلالت	32	رحیم	6	فنی و حرفه‌ای	متوسطه	دوم
7	معاون	42	علی	7	دلالت	42	سیروان	7	ریاضی	متوسطه	اول
8	کارمند دولتی	33	احمد	8	قاچاقچی	34	رسول	8	تجربی	متوسطه	دوم
9	کارمند دولتی	37	اسماعیل	9	بازاری	29	دیار	9	ریاضی	متوسطه	دوم
10	معلم	35	اسعد	10	مغازه‌دار	31	هیمن	10	فنی و حرفه‌ای	متوسطه	دوم
11					باربر	23	هیوا	11	انسانی	متوسطه	دوم
12									تجربی	متوسطه	دوم
13									انسانی	متوسطه	دوم
14									ریاضی	متوسطه	دوم

اعتبار و پایایی

در بخش کمی، برای سنجش متغیر اشتیاق تحصیلی در سه بعد شناختی، رفتاری و عاطفی از پرسشنامه‌های استاندارد. (Fredericks et al, 2004) که دارای ۱۵ گویه است؛ استفاده شده است که از سطح بالای پایایی و اعتبار برخوردار است. سطح پایایی مقیاس اشتیاق تحصیلی (۰/۸۶) می‌باشد؛ اما برای متغیر مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی)، پرسشنامه جدیدی طراحی شد و مورد تأیید متخصصان حوزه مورد مطالعه قرار گرفت و اعتبار محتوای ابزار سنجش تأیید شد. برای سنجش پایایی ابزار نیز، پرسشنامه در اختیار سی نفر به صورت پیش آزمایش قرار گرفت و آزمون آلفای کرونباخ سطح پایایی را (۰/۹۲) نشان داد. در بخش کیفی نیز بعد از تحلیل یافته‌ها با استناد به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، یافته‌ها به خود افراد نشان داده شد تا تحلیل گفته‌های آن‌ها مورد تأیید خودشان قرار گیرد. جدا از این مورد اطلاعات این مقاله توسط روش‌های مختلفی چون مشاهده، مصاحبه، مصاحبه گروهی جمع‌آوری شده است که این انواع باورپذیری یافته‌ها را دوچندان می‌کند.

موقعیت جغرافیایی این منطقه از جنبه‌های گوناگونی در چگونگی و روند شکل‌گیری تجارت مرزی نقش داشته و از علل و بسترهای ظهور این پدیده در منطقه بوده است. یکی از این جنبه‌ها، از یک طرف مسافت و فاصله زمانی- مکانی این منطقه مرزی با مرکز کشور و از طرف دیگر مسافت و فاصله این منطقه با نقاط مسکونی و مبادلاتی کشور عراق است. بعد فاصله زیاد مرکز از مرزها به مثابه عاملی بوده است که به طور غیرمستقیم از طریق عدم امکان نظارت‌های سفت و سخت از جانب قدرت مرکزی بر مسئولین ناظر بر ورود و خروج کالا و ارتباطات مرزی در منطقه، به نوعی باعث تسریع هرچه بیشتر روند ظهور تجارت مرزی در منطقه بوده است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی جامعه مورد مطالعه

Figure 2. Geographical location of the studied community

(مأخذ: سایت فرمانداری شهرستان بانه)

تحلیل یافته‌ها

بخش کمی

یافته‌های توصیفی متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی در بخش تحلیل کمی حاکی از این است که ۶۲ درصد دانش‌آموزان از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی در طبقه پایین قرار دارند. همچنین ۲۹/۳ درصد جمعیت دانش‌آموزان نمونه مطالعه در طبقه متوسط قرار گرفته‌اند و در نهایت ۸/۶۷ درصد جمعیت کاربران نمونه مقاله در طبقه بالا قرار گرفته‌اند. همچنین آماره‌های توصیفی مرتبط با شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی نشان می‌دهد که دامنه طیف بین ۶ و ۲۸ قرار دارد و میانگین شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۱۴/۷۸ است که نشان می‌دهد پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموزان در سطح پایینی قرار دارد. یافته‌های توصیفی مربوط به شاخص مرادوات مرزی (رسمی - غیررسمی) نشان می‌دهد که دامنه طیف بین ۱۰ و ۴۰ قرار دارد و میانگین شاخص تجارت مرزی و مرادوات

مرزی (رسمی_غیررسمی) ۲۸/۱۱ است که نشان می‌دهد ارزیابی مثبت دانش‌آموزان از تجارت مرزی و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) در سطح بالایی قرار دارد. در خصوص متغیر وابسته مقاله، یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که در بعد اشتیاق رفتاری دامنه طیف بین ۴ و ۱۹ قرار دارد و میانگین این شاخص ۹/۹۰ است که نشان می‌دهد اشتیاق رفتاری دانش‌آموزان به‌عنوان بعدی از ابعاد اشتیاق تحصیلی در سطح پایینی قرار دارد. در بعد اشتیاق شناختی دامنه طیف بین ۶ و ۲۹ قرار دارد و میانگین شاخص اشتیاق عاطفی ۱۴/۸۷ است که نشان می‌دهد اشتیاق عاطفی دانش‌آموزان به‌عنوان بعدی از ابعاد اشتیاق تحصیلی در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. در بعد اشتیاق شناختی دامنه طیف بین ۵ و ۲۵ قرار دارد و میانگین شاخص اشتیاق شناختی ۱۲/۳۴ است که نشان می‌دهد اشتیاق شناختی دانش‌آموزان به‌عنوان بعدی از ابعاد اشتیاق تحصیلی در سطح پایینی قرار دارد. لازم به ذکر است آماره‌های مربوط به چولگی و کشیدگی در تمامی متغیرها حاکی از نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشد.

در بخش آمار استنباطی رابطه بین متغیر وابسته (اشتیاق تحصیلی) در هر بعد به تفکیک (اشتیاق شناختی، رفتاری، عاطفی) و متغیرهای مستقل مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) و پایگاه اقتصادی-اجتماعی مورد آزمون قرار گرفت.

آزمون رابطه معنی‌داری بین اشتیاق رفتاری و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) بر اساس جدول زیر می‌باشد:

جدول ۴. ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین اشتیاق رفتاری و تجارت مرزی و قاچاق

Table 4. Pearson correlation coefficient of the relationship between behavioral desire and cross-border trade and trafficking

سطح معنی‌داری	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	
0/000	380	-0/97	اشتیاق رفتاری و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی)

ارقام جدول نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی ۰/۹۷- رابطه معنی‌داری بسیار قوی بین تجارت مرزی و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) و اشتیاق

رفتاری دانش‌آموزان وجود دارد. چنین می‌توان استنباط کرد که هراندازه دانش‌آموزان بیشتر در فضایی توأم با مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) قرار داشته باشند، از اشتیاق رفتاری آن‌ها به‌عنوان بعدی از اشتیاق تحصیلی کاسته می‌شود؛ یعنی اینکه بیشتر عادت‌واره‌های بازار شخصیت آنان را تحت سیطره قرار می‌دهد و بنابراین در آن میدان بیشتر به رقابت می‌پردازند.

آزمون رابطه معنی‌داری بین اشتیاق عاطفی و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) بر اساس جدول زیر می‌باشد:

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین اشتیاق عاطفی و تجارت مرزی و قاچاق

Table 5. Pearson correlation coefficient of the relationship between emotional desire and cross-border trade and trafficking

سطح معنی‌داری	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	
0/000	380	-0/93	اشتیاق عاطفی و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی)

ارقام جدول نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی ۰/۹۳- رابطه معنی‌داری بسیار قوی بین تجارت مرزی و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) و اشتیاق عاطفی دانش‌آموزان وجود دارد. چنین می‌توان استنباط کرد که هراندازه دانش‌آموزان بیشتر از فضایی تحصیلات دور باشند و به مباحث بازار و قاچاق واکنش نشان دهند، از اشتیاق عاطفی آن‌ها به‌عنوان بعدی از اشتیاق تحصیلی کاسته می‌شود. با این اوصاف دانش‌آموزان هیچ ارزشی قائل نیستند که وظایف و برنامه درسی خود را به نحو احسن انجام دهند یا نه.

آزمون رابطه معنی‌داری بین اشتیاق شناختی و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) بر اساس جدول زیر می‌باشد:

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین اشتیاق شناختی و تجارت مرزی و قاچاق

Table 6. Pearson correlation coefficient of The relationship between cognitive enthusiasm and cross-border trade and trafficking

سطح معنی‌داری	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	
0/000	380	-0/90	اشتیاق عاطفی و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی)

ارقام جدول نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی ۰/۹۰- رابطه معنی‌داری بسیار قوی بین تجارت مرزی و مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی) و اشتیاق شناختی دانش‌آموزان وجود دارد. چنین می‌توان استنباط کرد که هراندازه دانش‌آموزان بیشتر در فضایی توأم با مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی) قرار داشته باشند، از اشتیاق شناختی آن‌ها به‌عنوان بعدی از اشتیاق تحصیلی کاسته می‌شود. در واقع دانش‌آموزان هیچ انگیزه و تلاشی برای یادگیری نخواهند داشت و مشارکت فعالی در مدرسه و کلاس درس ندارند.

آزمون رابطه معنی‌داری بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و شاخص اشتیاق تحصیلی به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۷. ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان

Table 7. Pearson correlation coefficient Relationship between socio-economic status and students' academic achievement

سطح معنی‌داری	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	
0/000	380	0/90	پایگاه اقتصادی-اجتماعی و اشتیاق تحصیلی

ارقام جدول بالا نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی ۰/۹۰- رابطه معنی‌دار بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد و این رابطه در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. رابطه مثبت بین دو متغیر فوق نشان‌دهنده آن است که هرچه پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانش‌آموزان بالاتر باشد، از اشتیاق تحصیلی بالاتری برخوردار خواهند بود. همچنین آزمون F (جدول) معنی‌دار بودن رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانش‌آموزان و اشتیاق تحصیلی آن‌ها را در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و مقدار ۱۲/۱۶ نشان داد.

جدول ۸. رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و اشتیاق تحصیلی

Table 8. The relationship between socio-economic status and educational motivation

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	کمیت F	سطح معناداری
بین گروهی	96/740	42	2/30	12/16	0/000
درون گروهی	63/815	337	0/189		
کل	160/555	380			

اطلاعات توصیفی جدول نشان می‌دهد که کمیت F برای رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی با اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان ۱۲/۱۶ است و همچنین سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده این است که بین میانگین متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

در ادامه به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. در تحلیل رگرسیون چند متغیره، سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آن‌ها مشخص می‌شود.

جدول ۹. رگرسیون چندمتغیره متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (روش Enter)

Table 9. Multivariate regression of independent variables on dependent variable (Enter method)

متغیرها	B	SE.B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت	74/560	1/172	-	63/635	0/000
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	3/248	0/328	0/162	9/911	0/001
مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی)	-1/465	0/028	-0/857	-52/562	0/000
R	R ²	R ² تعدیل یافته	انحراف معیار S.E	کمیت F	سطح معنی‌داری
۰/۵۳۲	0/283	0/268	17/330	19/269	0/000

ضریب همبستگی چندگانه یا $R(532/0)$ بدین معنی است که متغیرهای مستقل داخل معادله به‌طور هم‌زمان تقریباً ۵۳ درصد با متغیر وابسته (هویت قومی کاربران) ارتباط دارند. R^2 یا ضریب تعیین به‌دست آمده نشان می‌دهد که ۲۸ درصد از واریانس متغیر هویت قومی به‌وسیله متغیرهای مستقل موجود در معادله تبیین می‌شود و حدود ۷۲ درصد باقیمانده را متغیرهای دیگری تبیین می‌کنند که خارج از این بررسی قرار دارند.

با توجه به اطلاعات جدول فوق و آزمون معنی‌داری T ، متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی) دارای رابطه معنی‌دار با اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان است از عوامل تأثیرگذار بر اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشند.

همان‌طور که در ستون Beta مشخص است، مقدار این ضریب برای متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی ۰/۱۶۲ و برای متغیر مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی) ۰/۸۵۷- می‌باشد؛ بنابراین متغیر مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی) بیشترین تأثیر را بر اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان داشته است. با توجه به جدول فوق، معادله رگرسیون ناشی از متغیرهای معنی‌دار به‌صورت زیر خلاصه می‌شود:

$$\text{اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان} = (0/162) \text{ پایگاه اقتصادی-اجتماعی} + (0/857) \text{ مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی)}$$

بر اساس معادله رگرسیونی فوق، نکات ذیل روشن می‌شود:

۱- متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانش‌آموزان آن‌ها به میزان ۰/۱۶۲ بر اشتیاق تحصیلی آن‌ها تأثیر دارد و دلالت بر این دارد که به ازای یک واحد افزایش در انحراف معیار پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان به میزان ۰/۱۶۲ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

۲- متغیر مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی) به میزان ۰/۸۵۷- بر اشتیاق تحصیلی آن‌ها تأثیر دارد و دلالت بر این دارد که به ازای یک واحد کاهش در انحراف معیار متغیر مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی)، میزان اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان به میزان ۰/۸۵۷- انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

بخش کیفی

جهت اعتبار سنجی نتایج مطالعه کمی، محققین در مراجعه مجدد به میدان از روش کیفی و تکنیک مصاحبه‌های فردی و گروهی استفاده شده است. جهت تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون و تکنیک تحلیل کدگذاری مضامین/مفاهیم استفاده شده است. در این روش بین پژوهشگر و پاسخگو در مورد تک‌تک پرسش‌های موردنظر، ارتباط روبرو و شخصی برقرار می‌شود که منتج آن گفتگویی هدفمند است (احمدرش، ۱۳۹۷). بدیهی است که ملاک تداوم مصاحبه‌ها رسیدن به اشباح تئوریک^۱ بوده است. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با استفاده از تکنیک گلوله برفی بوده است. در این بخش از مقاله یافته‌های بخش مصاحبه و مصاحبه گروهی آورده شده است. نتایج این بخش ذیل ۶ مقوله و تعداد ۴۴ مفهوم صورت‌بندی و در جدول پایین آورده شده است.

جدول ۱۰. مقولات و مفاهیم برگرفته از اطلاعات میدانی

Table 10. Categories and concepts derived from field information

مقوله	مفاهیم
استحاله ارزشی تأیید	قدرت فرد بازاری - معیارهای مادی منزلت - تضعیف قدرت معلمان - توانا بودن بازاریان - احترام مادی - قدرت اجتماعی ثروتمندان - شأن اجتماعی با پول - کسب هویت با پول - الگو شدن بازاریان - جایگاه پولی فرد در مراودات.
گسیختگی هویت تحصیلی	بی توجهی به درس - بی توجهی به مدرسه - عدم تعهد به وظایف - عدم انجام تکالیف - بی‌اهمیتی کتاب - عدم مطالعه - خوشحالی از تعطیلات فراوان - بی توجهی به مطالب درسی - عدم تمایل به مدرسه.
احاطه ذهنیات ترک تحصیل	دلزدگی از تحصیل - مقایسه مداوم با بازاریان - تعریف و تمجید بازاریان - بیکاری محصلان و بی‌انگیزگی - دو راهی قرار گرفتن‌های مداوم - اقدام به ترک مدرسه
افت تحصیلی	بازاری شدن دانش‌آموزان - موفقیت تحصیلی در گذشته - تعداد کم قبول‌شدگان کنکور - کنشگری اقتصادی دانش‌آموزان - عدم رضایت از نمرات - کاهش قبولی در کنکور - یادگیری نامناسب.
دگرگونی میدان	کنشگری اقتصادی - کار در تابستان - کار کردن در اکثر ایام تعطیل - مشارکت اقتصادی با والدین - محاسبه‌گری - فایده‌گرایی.

1. Theoretical Saturation

مفاهیم	مقوله
فاجاقچیان قهرمان- روزی حلال- مردمی بودن فاجاقچیان- زرننگ بودن فاجاقچیان- مقبولیت فاجاقچیان- توانمند بودن فاجاقچیان.	فاجاق به‌مثابه کنش فرهنگی

در ادامه به تشریح هر یک از موارد پرداخته خواهد شد.

دگرگونی میدان

جامعه به قول بوردیو فضای اجتماعی است که مرکب از میدان‌های مختلف و به تبع آن مملو از عادت‌واره‌ها است. کنشگران متناسب با بافت تعریف‌شده در جامعه خود نه تنها تحت تأثیر این میدان‌ها قرار می‌گیرند، بلکه خود نیز تا حدودی ساختار این میدان‌ها را تغییر می‌دهند. در واقع عاملین تأثیرگذار و تأثیرپذیر هستند. میدان بازار و عادت‌واره‌های آن به گونه‌ای بوده که طی دهه‌های مختلف دیگر میدان‌های مناطق مرزی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. به نوعی که آن را تحت عناوین هژمونی بازار صورت‌بندی می‌کنند. دانش‌آموزان به‌عنوان کنشگران میدان علم و مدرسه عادت‌واره‌های خاص خورد را دارند که همیشه در حال رقابت با دیگر میدان‌ها است؛ بنابراین کنشگر به‌عنوان عاملی فعال دائماً خود را درگیر میدان‌های مختلف می‌بیند و با انتخاب خود که از عادت‌واره‌ها کمک می‌گیرند دست به عمل می‌زند. این مقوله این امر را نمایان می‌سازد که دانش‌آموزان در طول زندگی به دلایل مختلف میدان بازار و مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) را به میدان علم و مدرسه ترجیح داده‌اند. این سبک و سنگین در چارچوب بحث میدانی ناشی از موارد متعددی است. یک اینکه: چون داخل هر میدان امتیازهای خاصی وجود دارد کنشگران به دائم در حال مبارزه هستند. دانش‌آموز روستایی در مناطق مرزی به دلایل مشکلات ساختاری آموزش خود را بازنده میدان علم می‌بیند، بنابراین به‌عنوان یک گزینشگر در آن چارچوب ساختاری تعریف‌شده، میدان خود را تغییر می‌دهد. خیلی از افراد به این امر اشاره داشته‌اند:

«جایگاه من که در این روستا زندگی می‌کنم و با این امکانات تحصیلی کجا می‌تونه باشه. جلد این همیشه برام سؤال بوده؟ دلیر- متوسطه دوم». «نمیشه با فقیری

درس خونند. ناداری و دغدغه آینده و تأمین زندگی خیلی تأثیرگذار بر رقابت تحصیلی است که نمی‌توان تمرکز کرد. - ریبوار- متوسطه دوم». «در محیط روستایی تمرکز بر درس به خاطر مشکلات تحصیلی که وجود دارد واقعاً سخت است. دانش‌آموزان متعددی مراحل تحصیلی را به سختی طی می‌کنند. چاوان- متوسطه دوم». «اخه با این اوضاعی که داشتم نمی‌شد فقط به درس خوندن فکر کنم و میدونستم درسم اگر بهش توجه نکنی و تلاش نکنی به جایی نمی‌رسی؛ بنابراین ترک تحصیل کردم و الان باربر هستم. نادر- ۲۶ ساله- باربر».

با این اوصاف کنشگران مورد هدف دست به انتخاب می‌زنند و میدانی را برمی‌گزینند که در آن توانایی مبارزه پر قدرت تری داشته باشند. از دیگر دلایلی که یک میدان تا حدودی در ذهنیات کنشگران محو می‌شود و میدانی دیگر جای آن را می‌بیند، بحث میزان موفقیت آن میدان در کسب منزلت‌های مورد تأیید جوامع است. به بیانی ساده تر قاچاق و بازار آزاد برای کنشگران مرزی بیشتر از تحصیلات در کسب تاییدات به آن‌ها کمک می‌کند. قاچاقی مرز در این باره بیان می‌کند:

«به نظر شما اگر درس می‌خوندم در اون شرایط زندگی الان رو داشتم؟ الان ماشین دارم، خونه دارم. حداقل به کسی بدهکار نیستم- هزار- دلال- ۳۴ ساله».

یکی دیگر از دانش‌آموزان در این ارتباط بیان می‌کرد که:

«واقعاً معلم‌ها از افرادی که شغل آزاد مثل بازار و قاچاق انتخاب کرده‌اند، درآمد کمتری دارند و بنظر من فقیرتر هستند - کژال- متوسطه اول».

بنابراین ناتوانی در کسب قدرت و ناتوانی یک میدان به کسب تاییدات جامعه باعث دگرگونی میدان علم به میدان بازار مرزی در کنشگران شده است. در واقع تلاش برای کسب بیشترین سرمایه کل باعث شده که دانش‌آموزان در آن بافت فرهنگی در میدان بازار و تجارت مرزی دست به رقابت بزنند.

قاجاق به مثابه کنش فرهنگی

هنجارها و ارزش‌های هر جامعه بر ساخته‌ای از دیدگاه و تفاسیر افراد می‌باشد. لذا کنش‌ها مطابق دیدگاه افراد جامعه برچسب درست یا غلط می‌خورند. در اجتماع مورد مطالعه پژوهش حاضر، مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) کنشی پذیرفته شده و فاقد دیدگاه ارزشی-هنجاری منفی است. در آن مناطق به دلیل عدم راهکارهای مناسب اشتغال، زندگی مردم و معیشت آنان با سختی مواجه است و بنابراین قاجاق از منظر آنان می‌تواند به معیشت این افراد کمک کند. به عبارتی به مراودات مرزی (رسمی_غیررسمی) با دیدی منفی نگریسته نمی‌شود. حتی برای رهایی از مشکلات مالی می‌تواند راه‌گیزی نیز باشد. یکی از افراد مشارکت‌کننده اذعان داشت:

«اینجا نزدیک مرزه و بیشتر همکلاسیام با آدمایی که قاجاق می‌کنن آشنا هستن چون اینجا جای کوچیکیه و حتی ممکنه باباشون یا برادر بزرگترشون یا فامیلاشون کالا قاجاق کنن. (البته نه هر قاجاقی) بد هم نیست و خوب راحت میتونن کالا رو با قیمت کمتر وارد کنن هم خودشون سود میکنن هم خریدار. رزگار- متوسطه دوم»

یکی دیگر از افراد مورد مصاحبه این‌طور بیان می‌کرد:

«اینکه خیلی از افراد مرفه کاری که ما داریم اینجا انجام می‌دیم را قاجاق می‌دانند، ناشی از شکم سیرشان هست. اونا نمی‌دونن لب مرز زندگی کردن چه معنایی دارد. زندگی ما وابسته به این کاره. هیوا- کولبر- ۲۳ سال».

یکی دیگر از افراد مورد مصاحبه اذعان داشت:

«واقعاً قاجاق کار درستی باشد یا غلط، در اصل زندگی ما تأثیر چندانی نداره. چون من ندارم زندگی کنم و واقعاً هیچ شغلی وجود نداره. البته من خودم که قاجاقچیم بخدا هر باری را نمی‌زنم. هر جنسی که به سلامت جامعه را تهدید کنه مخالف اون هستیم. مثل دارو و مواد اینا خلافن. اینا قاجاقن و نه یک متر پارچه. مسعود- کولبر- ۳۶ ساله»

. یکی دیگر از دانش‌آموزان می‌گفت:

«عمومی من باربر هست. پدر من هم باربر هست. خیلی از بچه‌ها پدرشون در مرز کار می‌کنه؟ این کار نباشه آقا ما از کجا بیاریم بخوریم؟ سلطان- متوسطه دوم».

بنابراین به این دلیل که بخش غیررسمی جامعه یعنی مردم و نه قوانین قاچاق را کنشی برای کمک به معیشت خود قلمداد می‌کنند و نه تخطی از قانون، به قاچاقچی نگاه منفی ندارد و آن را هنجارشکن قلمداد نمی‌کنند و حتی از آن‌ها نیز حمایت می‌کنند.

گسیختگی هویت تحصیلی

هویت به‌عنوان یک سازه اجتماعی بیشتر از هر ابزاری اوضاع اجتماعی جامعه را نمایان می‌کند. محیط‌های زندگی بیشتر تأثیر را بر چستی فرد خواهند گذاشت. طی انجام تحقیقات میدانی و مصاحبه با افراد مختلف و تحلیل این اطلاعات به این مقوله مهم دست‌یافته شد که مشخص‌کننده افراد در طول یک دهه گذشته به‌شدت دچار تغییر شده است. یکی از معلمین در ارتباط با این مورد بیان می‌کرد:

«در گذشته فرد با افتخار خاصی از مدرسه، دانشگاه بعنوان ابعادی از خود حرف می‌زد. شرایط اقتصادی این منطقه و خیلی از مناطق در جهان یک تغییر ایجاد کرده و آن سهم بیشتر پول در تعریف فرد از خود است. سیروان- ۳۳ ساله- معلم».

با کمی تأمل می‌توان فهمید که بیشتر ابعاد هویت توسط نموده‌های بازار احاطه شده است و این نموده‌ها سهم بسزایی در تعریف فرد دارد. با مرور زمان هویت دانش‌آموزان و جوانان که بر ساخته اجتماعی است طی کنش‌ها تغییر و خود را دوباره می‌سازد و بازتعریف می‌کند. بسیاری افراد اذعان داشتند که دانش‌آموز امروزی مثل دهه‌های قبل نیستند. یکی از افراد قاچاقچی بیان می‌کرد که:

«خیلی از دانش‌آموزان، مثل دوران ما نیستند. طمع بیشتری دارند و از سن ۱۶-۱۵ سالگی به فکر پول درآوردن هستند. مسعود- کولبر- ۳۶ ساله».

یکی از مشاورین بیان می‌کرد:

«خیلی از دانش‌آموزان، خود را یک کشاورز، محصل تعریف نمی‌کنند و هیجان‌ات مدارس را با هم بازگو نمی‌کنند، بلکه بیشتر هیجان‌ات و خطرات کار قاچاق را حتی در محیط مدرسه برای هم بازگو می‌کنند. امیر- مشاور- ۳۷ ساله».

از لابه‌لای مصاحبات می‌توان دقیق این را استنباط کرد که بسیاری از دانش‌آموزان بنا بر دلایل زیادی از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، به صورت آگاهانه به موقعیت تحصیلی خود بی‌اعتنا هستند. معدود دانش‌آموزانی دغدغه این را دارند، چطور برنامه‌ریزی کنند که بهترین نتیجه رو بگیرد. معدود دانش‌آموزان تعهد به انجام وظیفه تحصیلی خود را دارند و خیلی از ارزش‌های تحصیلی را امروزه، فاقد معنا می‌دانند. یکی از دلالتان به این امر اذعان داشت و بیان می‌کرد:

«خودم که کمتر خونه هستم بخاطر کار. ولی خانمم هر بار به من میگه زانیار (پسرشون) نسبت به کتاب و درس خوندن کاملاً بی‌میل هست و انگار نه انگار که داره درس می‌خونه. رحیم- ۳۲ ساله- دلال». یکی دیگر از افراد مشارکت‌کننده اعتقاد داشت: «بخدا هیچ حرکتی برای موفقیت در تحصیلات و قبول شدن به‌چم در دانشگاه نمی‌بینم. بارها بهش گفتم بیشتر درس بخون. کامران- ضمانت‌چی- ۴۰ ساله».

یکی دیگر از قاچاقچیان بیان می‌کرد:

«از خدایه یکبار به‌چم خاطره‌ای از مدرسه تعریف کنه و بگه اینکارو کردیم و یا اینجوری درس خوندم. همش میگه بابا این ماشین چقد خوشگله. واقعاً با مامانش نمیدونیم چکار کنیم که بیشتر برای درس خوندن وقت بزار. هیوا- ۳۷ ساله- قاچاقچی».

در گروه فرهنگیان نیز مشاوران حرف‌های بالا را تأیید می‌کردند.

«بچه‌ها امروز دیگر با شور و شوق خاصی به مدرسه و کتاب توجه نمی‌کنند؛ و این به خاطر ضعف‌های آموزشی و همچنین تأثیر خانواده و همسالان است. بچه‌های هستند پدرشون باربر، ضمانت‌چی، دلال و خیلی از مشاغل دیگر که وقت کافی برای بچه‌هاشون ندارند. حسن- مشاور- ۳۷ ساله».

چندین معلم نیز به همین اظهارات اعتقاد داشتند:

«خیلی از بچه‌ها به طور تکالیف معین شده را انجام می‌دهند و یا حتی از سر بی‌میلی از همدیگه کپی می‌کنند- دختران نسبت به پسرها بهترند. با هر تکلیف کوچکی پسرها اعتراض دارند. ولی مثلاً در مورد چیزی غیر از درس مثلاً ماشین باهشون حرف بزنیم، یک شبانه‌روز حرف دارند که این امر ناشی از عوامل زیادیه. بنظر من بیشترین تأثیر را پدر و مادر و جامعه می‌گذارد».

این سخنان ناشی از آن است که موفقیت تحصیلی، انجام تعهدهای تحصیلی، هدف‌های تحصیلی، کار در کلاس، موقعیت مدرسه چندان برای دانش‌آموزان خوشایند نیست. دیگر مدرسه به‌عنوان یک میدان اجتماعی در تعریف جوانان از خود چندان جایگاه بالایی ندارد. دانش‌آموزان زیادی عملکرد تحصیلی خود را مدنظر قرار نمی‌دهند بلکه بیشتر به‌صورت امری اجباری آن را قلمداد می‌کنند. این امر بیشتر می‌توان ناشی از والدین بچه‌ها باشد. درواقع تعهد دانش‌آموزان به ارزش‌ها و آرمان‌های تحصیلی تحت تأثیر والدین و گروه‌های مرجع است. در جامعه‌ای که به‌خاطر نابرابری‌های فراوان توسعه‌ای افراد زیادی از طریق قاچاق ارتزاق می‌کنند، بچه‌ها به‌عنوان گیرنده‌های فعال اجتماعی به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند و رفتارهای تحصیلی و تمایل به مدرسه طبق آن چارچوب شکل می‌گیرد. اگر کودکان در محیطی پرورش می‌یابند که بیشتر افراد اطراف آن‌ها و چه‌بسا اعضای خانواده‌شان به کار مراودات مرزی (رسمی-غیررسمی) اشتغال دارند و از این طریق امرارمعاش می‌نمایند و همچنین ذهنیتی بازاری دارند، این امر می‌تواند به کودکان سرایت یافته و به‌صورت بخشی از ارزش‌های آموخته‌شده در کودکان بازتاب پیدا کند. البته این نوع یادگیری در صورتی که با برداشت مثبت از فعل انجام‌شده همراه باشد تبدیل شدن آن به‌نوعی ارزش بسیار سریع‌تر اتفاق می‌افتد چراکه فرد کنش‌موردنظر را به‌عنوان امری پسندیده به‌خاطر خواهد سپرد.

غلبه ذهنیت ترک تحصیل

بر طبق این مقوله کنشگران که ترک تحصیل کرده‌اند نه تنها هیچ اشتیاق شناختی نداشته‌اند

بلکه بیشتر جذب جاذبه‌های شغل آزاد و نمودهای پول بوده‌اند و قبل از اقدام به ترک تحصیل بارها به این امر فکر و بعد انتخاب کرده‌اند. در نظام آموزشی آنچه مانع اهداف و مقاصد است، مباحث مربوط به افت و ترک تحصیل می‌باشد. دانش‌آموزان به‌عنوان سوژه‌های درگیر با مدرسه و تجربه زیسته آن‌ها در مناطق مورد مطالعه، با یکسری مسائل روبه‌رو می‌شوند که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مناطق مورد مطالعه به‌خاطر فضا و جغرافیای آن، تقابلات بسیاری بین میدان‌های مدنظر این جستار وجود دارد، به‌نوعی که افراد هر روز با آن‌ها زیسته و زندگی خود را بر طبق آن بازکاوی می‌کنند. در واقع منظور از این مقوله؛ این معناست که قبل از عمل ترک تحصیل فرد در تصورات خود با اتخاذ اطلاعاتی که از میدان و تعاملاتی که از اجتماع دریافت می‌کند، دست به ذهنیت‌پردازی و تصمیم‌گیری ذهنی می‌زند. اکثر محصلان مورد بررسی در مصاحبه‌ها تجربه ذهنی ترک تحصیل را داشتند.

«یه پسر خاله من استخدام بهزیسته و اونجا مشغول بکاره. ولی خوب حقوقی آن‌چنانی نداره واقعاً. این حقوق آن‌چنانی منظور در مقایسه با بازاریان و قاجاقچیان هست که بعضی کم کمش ماهی ۵ میلیون پول درآمد دارند. خیلی وقتا می‌گه ای کاش وارد بازار می‌شدم و به بابا مامانش گیر میده که چرا نداشتین من راه بازار رو انتخاب کنم. موندم با این شرایط اون نارضی. همیشه بهش فکر می‌کنم (همین - متوسطه دوم)».

ذهنیت ترک تحصیل تحت شرایط و سازوکارهای مختلفی در فرد شکل می‌گیرد و تنها یک دلیل خاص نمی‌تواند داشته باشد. مناطق مورد بررسی از لحاظ جغرافیایی، کوچک محسوب می‌شوند؛ به‌نوعی که می‌توان اثرات مختلف این تجارت را حتی در دورترین منطقه آن مشاهده کرد و از طرفی به دلیل فقر زیاد در گذشته اکثر خانواده‌ها اگر دو نفر درگیر بازار نباشند، حتماً ۱ نفر از اعضای خانواده در بازار درگیر و از تجربیات خود را انتقال می‌دهد. محصل همیشه این تجربیات را می‌بیند و دست به مقایسه و کاربرد تجربیات دیگران می‌زند.

استحاله ارزشی تأیید

در بافت جامعه مرزی بانه و مریوان که به نسبت گذشته رونق اقتصادی بیشتری پیدا کرده؛ اعتقادات، باورها و ارزش‌های کنشگران دستخوش تغییر شده است. ارزش‌های تازه سرکشیده که شکل‌دهنده خواسته و عقایداند، کنشگر را وادار به عمل و انتخاب می‌کند. اولین مرحله پیامدهای فرهنگی بازار و قاچاق را شاید بتوان در درک متفاوت از زندگی و متعاقب آن تأییدهای منزلتی ناشی از ورود پول دانست. قاچاق و تجارت مرزی باعث شده که نسبت به دوران قبل، افرادی که با این شل‌ها ارتزاق می‌کنند، از منزلت بیشتری نسبت به قبل برخوردار باشند و پول ناشی از درآمد قاچاق منزلت بالاتری را برای برخی از افراد وجود. به دنبال افزایش قدرت اقتصادی میزان برخورداری افراد قاچاقچی از احترام و نفوذ در بین افراد جامعه خودشان بیشتر شده است. با این توجهات دیگر قاچاق در این مناطق یک پدیده غیرعادی نیست بلکه کوشش مردم آن منطقه و تلاش آن‌ها برای منزلت و تأیید بیشتر است. این خود نشان از یک دگردیسی ارزشی در بین اهالی منطقه مورد مطالعه است. در ارتباط با این مقوله افراد اذعان داشتند:

«به طور جد شما نمیدونید زندگی من و امثال من قبل از شروع اینکار چطور بود. بشدت نارحت کننده و زجر آور. حداقل امروز توانایی این را داریم که امکانات اولیه برای خودمون بخریم. در قدیم چی؟ بخدا حتی دوس ندارم به اون دوران فکر کنم. همیشه شرمنده بودی. (رسول- قاچاقچی- ۳۴ ساله)».

یکی دیگر از افراد بیان می‌کرد:

«آگه بخوام خیلی ساده بهتون بگم، احترامی که الان بخاطر پول دارم، هیچ وقت در گذشته نداشتم. شوخی که نیست در میان جمع باشی و بخاطرنداری شرم کنی. الان هم احترام بیشتری دارم و هم بهتر دیده می‌شم (هزار- دلال- ۳۴ ساله)».

نقل قول‌های بالا نشان از یک دگردیسی ارزشی در بین اهالی مناطق مورد مطالعه دارد. زمانی که معلم و یا یک راهنمای دینی ارزش و منزلت بالای نزد افراد داشت، پول و منزلت‌های مادی چندان در جامعه رسوخ نکرده بود. با ورود نمودهای ارزش‌های

سرمایه‌داری و چشم‌وهم‌چشمی مردم به یک‌باره در تلاش بودند که خود را از فقر نجات دهند، فقری که در گذشته سراسر زندگی آنان را احاطه کرده بود. وقتی فرد در چنین جوامعی خود را فاقد قدرت می‌داند به محض اینکه ریسمانی پیدا کند که خود را نجات دهد، دست به عمل می‌زند. در ارتباط با این مقوله؛ یکی دیگر از بازاریان به این امر اشاره می‌کرد:

«تعریف اهالی از پسر خوب و زرنگی تاحدودی در حوزه کار، کاسبی و پول درآوردن معنی داره. تو بروی روز کار کن و پول دربیار، بین چقد خوب میشی تو ذهن همه، میگن کاسبه شکر خدا (سیروان - دلال مرزی - ۴۲ ساله).
یکی دیگر از افراد در تأیید گفته‌های بالا بیان می‌کرد: «پول همه چی هست. پول داشته باشی عاقلی، بالغی، فهمیده‌ای. مشاوره ازت میگیرن. جامعه انسان پولدار را تأیید می‌کند (مسعود - قاچاقچی - ۳۶ ساله).

افت تحصیلی

عوامل متعددی باعث می‌شود که جوان نسبت به میدان مدرسه و آموزش احساس بیگانگی کند و به شکست و ترک تحصیل دچار شود. در شهرستان‌های مورد مطالعه، خصوصاً شهرستان بانه، به خاطر وجود شرایط علی و دیگر شرایط مداخله‌ای این روند سیر صعودی به خود گرفته تا جایی که اکثراً از زوال ارزش تحصیلات در این شهرستان می‌گویند. در معنای دیگر، گفتمان بازار و کنش قاچاق بر کنش‌های جوانان ترک تحصیل کرده غالب شده است. در واقع رونق گرفتن این بازار، به قول جوانان «دری گشوده است که می‌توان گزینه خوبی برای کل کاستی‌ها، از لحاظ تأمین زندگی باشه». بنابراین وقتی با این خیل عظیم رونق در بازار مواجه می‌شوند، توان تاب‌آوری آن‌ها برای صبر کردن به حقوق ناچیز یک دهه دیگر، به شرط استخدامی پایین می‌آید. به بیانی ساده‌تر تجارت مرزی و قاچاق در شهرستان‌های مورد بررسی، زمانی به وجود آمد که زمینه‌های چیرگی برای آن وجود داشت. کل سطوح زندگی، از واقعیت گرفته تا ذهنیت در آن ذوب شد. جوانان نیز به‌عنوان فاعلان، تحت تأثیر ویژگی‌های بافت به وجود آمده شدند و دست به کنشگری اقتصادی و

تغییر اهداف مسیر زندگی زدند. از نظر محصلان:

«بازار باعث شده که اولاً نه نتیجه کنکور عالی بین داوطلبین وجود داشته باشد و با فرض وجود داشتش مثل گذشته اهمیت زیادی نداره که همه بگن و بشنونند. ولی تو یک ماشین مدل بالای برند خارجی بیار، نه تنها اطلاعات کل دستگاری می‌گن بلکه نحوه قرار گرفتن سیلندر رو هم بررسی می‌کنن (با خنده) و تا مدت‌ها سرزبوناست که یارو چی خریده و چی آورده. (هیمن - دوم متوسطه)».

دانش آموزی هم که یک سال مانده به کنکورش در خلال بحث‌هایش به‌طور غیرمستقیم می‌توان برداشت کرد که دقیقاً چقدر پیگیر کلاس‌های کنکور و تجربه آن است:

«من الان که مونده به امتحانات خدایی تو فکر اینم، تابستونمو چطوری بگذرونم، کار کنم و چه کاری انجام بدم. محقق: مگر شما قصد ندارید کنکور شرکت کنید؟ پاسخ‌دهنده: اتفاقاً قصد دارم برم آزمون‌هایی رو شرکت کنم. قصد رتبه خوبی ندارم. یک برچسب دانشجو داشته باشه انسان، حالا هر جایی. خوبه داشته باشه انسان (با خنده) (هاورئ - دوم متوسطه)».

این مقوله بیانگر آن است که جوانان امروزی به‌خاطر ذهنیت و واقعیت‌بازاری مسیر ادامه تحصیل را به کلی جدا از بازار فرض می‌کنند و معتقدند برای رسیدن به موفقیت‌های تجسم شده در ذهن، باید ترک تحصیل کرد. واقعیت امر آن است که بازار و قاچاق مرزی جدا از رونق بخشیدن به زندگی مردم و بهبودهای نسبی زندگی، به کلی تأثیر منفی بر زندگی تحصیلی جوانان داشته است و هنوز ذهنیت جوانان به این تفکر آمیخته نشده است که می‌تواند این مادیات را در مسیر هر چه بهتر تحصیل و آموزش و کارهای فرهنگی مورد استفاده قرار دهد.

تحلیل نهایی

فرهنگ هر جامعه‌ای در طول زمان و در نتیجه کنش‌ها و واکنش‌های اعضای جامعه ساخته و پرداخته شده و در گذر زمان به ثبات نسبی می‌رسد و شکلی از عرف یا ماده‌ای از قانون را به خود می‌گیرد و به این طریق افراد را وادار به تبعیت از خود می‌کند؛ اما همین

فرهنگ که مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها می‌باشد در گذر زمان و با تغییر عناصر ذهنیتی و عملکردی افراد به تعبیر گیدنز دچار بازاندیشی شده و به‌مرور تغییر و دگرگونی را پذیرا می‌شود. در مناطق مرزی مورد مطالعه که کار قاچاق به‌عنوان کنشی هنجارمند جهت کسب معیشت وجود دارد، تحصیلات به‌عنوان نوعی ارزش و احتمالاً راهی برای دستیابی به پایگاه اقتصادی- اجتماعی در جامعه، به عقب رانده شده و در جایگاهی پایین‌تر و به‌نوعی حاشیه‌ای قرار گرفته است. این امر در مصاحبات انجام شده و در یافته‌های کمی نیز مورد اثبات قرار گرفته است. تغییر ارزش‌ها در ارج نهادن و تقدم دادن به کار آزاد و نه تحصیلات هم در گفته‌های دانش‌آموزان، هم بازاریان و هم افراد فرهنگی به چشم می‌خورد. افراد بدون در نظر گرفتن بازه سنی آنان، بازار آزاد را راهی مطمئن‌تر از تحصیلات برای جامه عمل پوشاندن به اهداف و خواسته‌هایشان می‌دانند. این امر از علل مختلفی ناشی می‌شود؛ که می‌توان بر فقر در این نواحی، نبود زیرساخت صنعتی، نبود زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و غیره. تعامل متقابل در این اجتماع و با افرادی که به کار قاچاق اشتغال دارند تعاریف و تفاسیر منفی از مراودات مرزی (رسمی_ غیررسمی) را پس رانده و تا حدی نگرش به آن را از منفی به مثبت تغییر داده است. امروزه کسبشان اجتماعی در آن نواحی کمتر با تحصیلات عالی تعریف می‌شود، بلکه داشتن سرمایه اقتصادی بالا جای تحصیلات را گرفته است و به تعبیری این نوع سرمایه جای دیگر سرمایه‌ها را به‌تنهایی پر کرده است. همین امر باعث جذابیت قاچاق باوجود ناپایداری شده است. همه اعضای جامعه از جمله خانواده، بزرگ‌سالان، دیگران مهم، همسالان و تحصیل‌کردگان بیکار در نوع خود برای دانش‌آموزان، مصداق ارزش‌های تعریف و پذیرفته‌شده در یک بافت فرهنگی_ اجتماعی‌اند. رفتار و گفتار آن‌ها می‌تواند کم یا زیاد بر کودکان تأثیرگذار باشد و جهت فکری و جهت‌گیری آینده کودکان را تا حدی شکل دهد. اگر کودکان در محیطی پرورش می‌یابند که بیشتر افراد اطراف آن‌ها و چه‌بسا اعضای خانواده‌شان به کار مراودات مرزی (رسمی_ غیررسمی) اشتغال دارند و از این طریق امرارمعاش می‌نمایند و همچنین ذهنیتی بازاری دارند، این امر می‌تواند به کودکان سرایت یافته و به‌صورت بخشی

از ارزش‌های آموخته‌شده به کودکان بازتاب پیدا کند. البته این نوع یادگیری در صورتی که با برداشت مثبت از فعل انجام‌شده همراه باشد تبدیل‌شدن آن به نوعی ارزش بسیار سریع‌تر اتفاق می‌افتد چراکه فرد کنش‌موردنظر را به‌عنوان امری پسندیده به‌خاطر خواهد سپرد. همین نوع معیشت طبق یافته‌ها باعث شده دانش‌آموزان تکالیف خود را به‌درستی انجام ندهند. کوششی در جهت یادگیری در مدرسه نداشته باشند، نسبت به مدرسه تعهد خاصی نداشته باشند و حتی پاداش‌های تحصیلات و نوع پاداش‌ها جذابیتی برای آن‌ها نداشته باشد. در بخش کمی این نتایج در بررسی فرضیات به‌درستی نشان داده شده است. به این معنا که با میزان درگیری دانش‌آموزان با قاچاق و واقعیت اقتصادی آن جوامع، اشتیاق تحصیلی آن‌ها به نسبت بالایی کاهش پیدا کرده است. به سطره کشیدن تمامی تعاملات و کنش‌های اجتماعی زیر چتر اقتصاد باعث شده که اکثر دانش‌آموزان نسبت به دنیای آموزش و تحصیلات بی‌توجه باشند و ذهنیت‌های ترک تحصیل داشته باشند و به بازار روی آورند. بالا رفتن سطح انتظارات مردم از زندگی رفاهی، چشم‌وهم‌چشمی و همچنین رسوخ پول در دنیای اجتماعی و تاییدات پولی؛ و به‌طور کلی استحاله ارزشی، پیامدهایی چون: افت از تحصیل، گسیختگی هویت تحصیلی، تغییر عادات‌واره‌های دانش‌آموزان و اقدام ترک تحصیل را در داشته است. فرد از آنجایی که با این دید به دنیایی اجتماعی، اهداف و وسایل می‌نگرد، با توجه با واقعیتی که در ذهن خودش تجسم کرده، دست به انتخاب می‌زند. بر همین مبنا واقعیت در اذهان کنشگران بازاری چیزی جز اینکه خودشان با توجه به بافت اقتصادی در ذهن تجسم کرده‌اند، نیست. در ذهنیت اکثر مصاحبه‌شوندگان اگر بازار و آموزش را در دو سر پیوستار فرض کنیم، اکثر افراد کار آزاد را مثبت و با آینده‌ای روشن می‌دیدند. نتایج این فرضیه با نتایج (Ramazani(2012)، (Ahmadi(2016)، (Ahmadrash, Ahmadi et al(2017)، (Ghaderzade et al, (2012)، (Bayengan(2014) و (Rigi and Jalili(2018) همسو می‌باشد. در کلیه این تحقیقات به این امر رسیده شده است که به‌خاطر فقر حاکم در مناطق مرزی در گذشته، با رونق تجارت و قاچاق کمتر جوانان علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در تحصیلات هستند. با توجه به این واقعیات هر نوع

برنامه‌ای برای تغییر دیدگاه دانش‌آموزان منوط به سرمایه‌گذاری فرهنگی درست در راستای افزایش اشتیاق و انگیزه دانش‌آموزان به ادامه تحصیل خواهد بود. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود؛ معلمین، معاونین و حتی مدیر مدرسه جدا از مسئولیت‌های خود به‌عنوان مهرهای آموزش و پرورش باید یک تسهیلگر آموزشی باشند. با این دیدگاه می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد که درک بهتری از جهان مرزی و زیست در این منطقه و اقتصاد ناپایدار داشته باشند و در بلندمدت چشم‌انداز توسعه انسانی را برای آن‌ها متصور کرد. همچنین باید والدین در جلسات مختلف آموزشی و آموزش حضور فعال داشته باشند. آن‌ها در برخورد با دوالیسم بازار و تحصیلات در مناطق مرزی و حساسیت انتخاب در بین فرزندان نقشی پررنگ دارند. بدین معنا طبق گفته‌های خیلی از دانش‌آموزان تاییدات جامعه و همکاری با والدین خود باعث کاهش انگیزش و اشتیاق تحصیلی فروانی شده است. همچنین توجه به منابع زیرساختی صنعتی مناطق مرزی و تقویت کفه اقتصاد منطقه همچون خیلی از شهرهای دیگر می‌تواند رنگ‌باختگی حوزه‌های مختلف فرهنگی را تا حدودی مدیریت کند. جدا از قدرت و جذابیت بازار، عقب‌نشینی دیگر نهادهای فرهنگی در امر آموزش باعث حل شدن میناهای فرهنگی در ساخت‌های بازاری و مادی است؛ بنابراین باید با همکاری بین‌نهادی در سطوح مختلف ابعاد آموزش و اهمیت آن گسترده‌تر شود.

سپاسگزاری

از همه کسانی که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند، خصوصاً از حامی مالی پژوهش، سازمان آموزش و پرورش کردستان، مطلعین و دانش‌آموزانی که در تکمیل پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها با ما همکاری کردند و نیز مجموعه هیئت تحریریه نشریه وزین فصلنامه علوم اجتماعی به‌ویژه داوران و سردبیر محترم که با دقت و راهنمایی ستودنی خود ما را در انجام اصلاحات مقاله و انتشارنهایی آن یاری دادند، تشکر و قدردانی می‌شود.

ORCID

Rashid Ahmadifar  <http://orcid.org/0000-0002-6401-6584>

References

- Abbasi, M. & Rezaei, A. et al. (2015). *Psychology of Passion*, Ardabil, Mohaghegh Ardabili Publications. [Persian]
- Ahmadi, H. (2017). *Sociological explanation of market hegemony and youth education in border areas, a case study of Baneh city*. University of Tehran, Faculty of Social Sciences, Department of Sociology of Development, M.S. Thesis. [Persian]
- Ahmadrash, R. et al. (2017). Critical study of border economic development policies, *First International Conference on Economic Planning, Sustainable and Balanced Regional Development*. [Persian]
- Al-Murad, S. (1999). *Smuggling of goods in Iran*, Tehran, Research Center of the Islamic Consultative Assembly, Office of Economic Studies. [Persian]
- Arab Mazar Yazdi, A. (2001). Black Economy in Iran, Its Size and Effects in the Last Three Decades, *Program and Budget Magazine*, No. 62 and 63, pp. 102-61. [Persian]
- Bayengani, B. (2015). *Study of Sociological Society Economic Changes and Cultural Consequences in Kurdish Areas (Critical Ethnography of Baneh Border Market)*, University of Tehran, Faculty of Social Sciences, Sociology, PhD Thesis. [Persian]
- Borojerdi, M. (2012). *Evaluation of the effectiveness of teaching motivation on progress perception of class structure and academic conflict of third year Guidance school students in Saqez city*. Master Thesis, Allameh Tabatabai University. [Persian]
- Chandoevrit, W. et al. (2005). *aaaillddd's Cooss rrr rrr nnnnmny, a Case Study of Sa Kaoand Chiangrai*; Thailand Development Resource Institute (TDRI)
- Deflem, M. (2004) the sociology of the sociology of money, *journal of classical sociology*. March 2003 vol. 3 no. 1 67-96.
- Dehghan, M. A. and Mohammadi, M. (2008). *Economic security in Iran*. Islamic Council Research Center. [Persian]
- Emadzadeh, M. (1995). *Topics in the economics of education*. Isfahan: University Jihad of Isfahan University. [Persian]
- Fazeli, N. (2011). *Educational Demography (Several Ethnographic Studies in Today's Education in Iran)*, Tehran, Elm Publishing, First Edition:

Chavoshgaran Naghsh. [Persian]

- Fredericks, J. A. et al. (2004). School engagement: Potential of the concept, state of the evidence. *Review of Educational Research*, 74, 59– 109.
- Gul, R. G. A. (2013). Causes of Dropout Rate in Government High Schools (male). *Journal: Education & Information Management*. Volume 2, Issue 1, January 2013.
- Hejazi, E. et al. (2009). Intellectual Beliefs and Academic Achievement: The Role of Educational Achievement Goals. *Psychological Research*, Volume 12, No.23. [Persian]
- Jahanian R. & Mahjobi, S. (2011). Education policies in the age of globalization. *Quarterly Journal of Political Science*, No. 16, Fall 2011. [Persian]
- Kaveh, M. H. (1389). Motivation and Memorization, *Media e-Learning Quarterly*, pp. 29-23
- Kohneposhi, S. H. and Jalali, H. (2013). The effect of goods Smuggling on the economy of border villages in the Khaw and Mirabad districts of Marivan city. *Journal of Geography and Development*, pp. 32-71. [Persian]
- Kurdafshari, F. (2012). *Investigating the academic involvement of third year high school students based on their preferred teaching style*. Master Thesis, Unpublished, Allameh Tabatabai University.
- Lee, J. C., Jeremy, S. (2007). When Work Matters: The Varying Impact of Work Intensity on High School Dropout. *Sociology of Education*. April 2007 vol. 80 no. 2 158-178.
- Mafakheri, A. (2017). *Investigating the Effects of Siran Band Border Market on Economic and Social Resilience of Baneh County*, M.Sc. Thesis, Urmia University, Faculty of Humanities. [Persian]
- McNeal, R. B. (2011). Labor Market Effects on Dropping Out of High School: Variation By Gender, Race, and Employment Status. *Youth Society* March 2011 vol. 43 no. 1 305-332.
- Mohammadpour, A. et al. (2010). Combined Research Methods as the Third Methodological Movement: Theoretical Foundations and Practical Principles»Applied Sociology, *Journal of Humanities Research, University of Isfahan*, Volume 21, Number 2, pp. 100-77. [Persian]
- Niebuhr, A. (2005). *The impact of EU enlargement on European border regions*, HWWA Discussion Paper, No33.

- Parhiz, S. M. (2015). *The impact of the self-regulatory education program on the Zimmermann and Kovac model motivates progress and academic engagement*. Master Thesis, Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Educational Sciences and Psychology. [Persian]
- Pintrich, P. R. (2003). A motivational science perspective on the role of student motivation in learning and teaching contexts. *Journal of Educational Psychology*, 95, 667-686.
- Qadampour, Eet al. (2017). Psychometric properties of students' academic enthusiasm scale. *Quarterly Journal of Educational Measurement*, Year 8, No. 29, pp. 167-184. [Persian]
- Qaderzadeh, O. and Ghaderi, O. (2012). Qualitative Study of Cultural Consequences of Border Trade in Marivan County, *Iranian Journal of Social Studies*, Volume 7, Number 2, Summer, 154-135. [Persian]
- Qaderzadeh, O. et al. (2013). Qualitative Study of Border Market's Effect on Continuity of Smuggling Phenomena, *Journal of Applied Sociology*, Volume 20, No. 1. [Persian]
- Ramazani, Gh. (2012). *Analyzing the views of high school teachers and students on the role of border commercial areas of Baneh and Marivan cities on the educational status of students*, Kurdistan University, Faculty of Literature and Humanities, thesis to receive a master's degree. [Persian]
- Rigi Ket al. (2018). The Effect of Smuggling on the Education of Students in Bam Posht Border Region, *11th International Conference on Psychology and Social Sciences*, Tehran, Mehr Ishraq Conference Co. [Persian]
- Rouhi, Gh. et al. (2007) Academic motivation and its relationship with some factors in students of Golestan University of Medical Sciences, *Quarterly Journal of Development in Medical Education*, Volume 4, Number 2, No. 77-83.
- Sarkar Arani, M. R. (1994). Education and Development, *Development Culture Quarterly*, Volume 3, Number 15, 23-35. [Persian]
- Shadnia, H. (2005). Smuggling of goods and social security. *Proceedings of the Social Security Conference*. NAJA Social Deputy [Persian].
- Shajiei G.M. (2005). *Commodity Trafficking*, NAJA Training Technology Center. Tehran. [Persian]
- Sharepoor, M. (2017). *Sociology of Education*, Tehran, Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAMT). Humanities Research and Development Center. [Persian]

- Simmel, G. (2007). *Money in Modern Culture*, translated by Yousef Abazari, Organon No. 3, second edition
- Slither, D. and Tonix, F. (2007). *Market Community: Modern Market and Social Theory*, Translator: Hossein Ghazian, Tehran, Ney Publications.
- Wilson, K. et al. (2005). The Role of Expectations in Adolescent School Choices: Do Youths Respond to Economic Incentives? *Journal: Economic Inquiry*. Volume 43, Issue 3. July 2005. Pages 467–492.



استناد به این مقاله: احمدی فر، رشید. (۱۴۰۰). مرز و تحصیلات، دوگانه‌ای ناسازواره؛ تحلیل نقش مرادوات مرزی در اشتیاق تحصیلی دانش آموزان مناطق مرزی استان کردستان، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۴)، ۱۶۳-۲۰۷.

DOI: 10.22054/QJSS.2021.56518.2311



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی